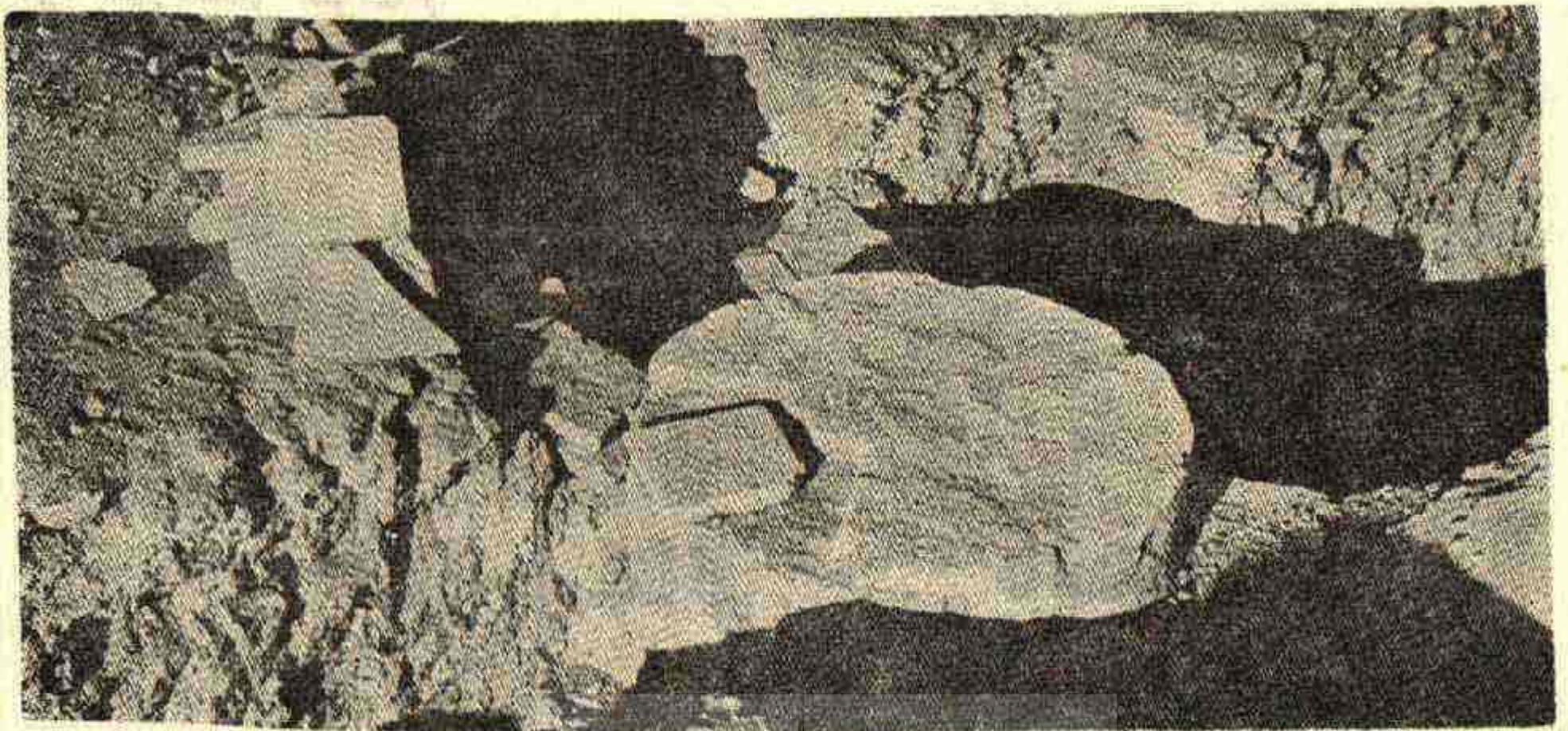


آثار باستانی جی باستان

(پی گردی مسجد جی)

در حدود چهار کیلومتری شرق اصفهان کنار پل قدیمی شهرستان در شمال زاینده رود در جنوب قریه شهرستان و بر کنار جاده قدیمی اصفهان یزد ناحیه باستانی جی واقع شده است .
این ناحیه که مدت‌ها بصورت قبرستان کهنه در جنوب قریه شهرستان بلااستفاده افتاده بود به جمعیت شیر و خورشید سرخ اصفهان واگذار گردید تا بر روی آن کارخانه دست و پاسبازی احداث نماید .
پی‌کنی‌های اولیه موجب پیدا شدن مقدار زیادی آجر در منطقه مذکور گردید و با توقف عملیات خاکبرداری جهت شناسائی این ناحیه از طریق دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان تحقیقاتی انجام گرفت تحقیقات اولیه وجود مسجدی از دوره سلجوقیان را نشان میداد .^۱ کف آجری و قسمتی از ستونهای مسجد در نتیجه آن مشخص شده (عکس شماره یک) متعاقب این تحقیقات پی‌گردی کامل مسجد جهت شناخت کامل آن شروع گردید .

(۱) تحقیقات مذکور توسط آقای مهندس آیت‌الله زاده شیرازی رئیس دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان انجام گرفته است .



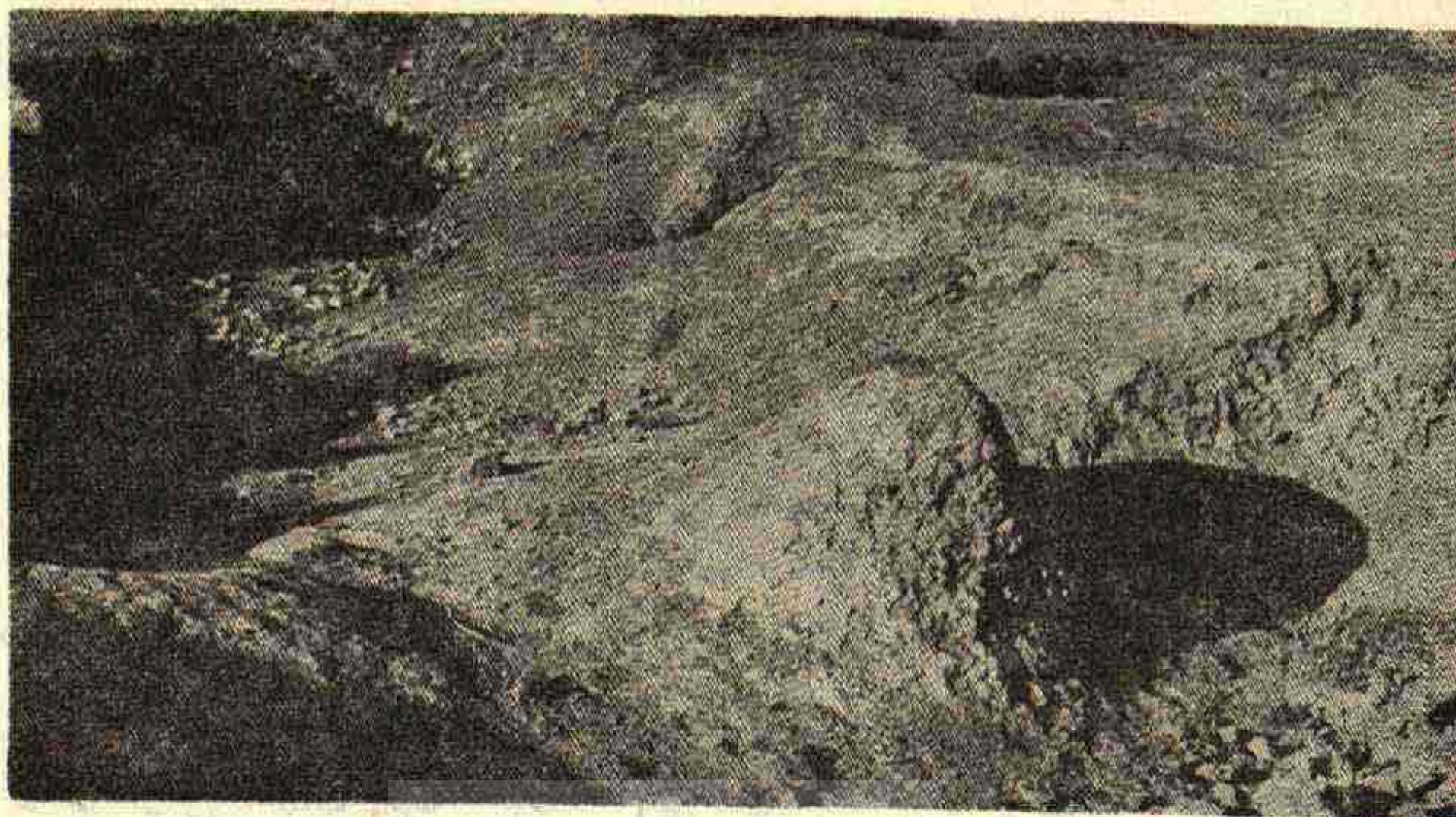
عکس شماره ۱

قسمتی از ستون و کف مسجد جی باستان نتیجه تحقیقات اولیه دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان .

کندوکاوها و خاکبرداریهای قبلی که بوسیله مردم بی اطلاع جهت دست یابی به آجر انجام گرفته بود وضع محل را مغشوش و در هم و برهم کرده بود (عکس شماره ۲ و ۳) و در نتیجه عملیات پی گردی به دشواریهای برمی خورد .



عکس شماره ۲ نمونه‌ای از پی‌های کنده شده .



عکس شماره ۳ قسمتی از زمینهای خاکبرداری شده جهت دستیابی به آجر

قبل از آنکه شرح کامل پی‌گردی ناحیه جی باستان توضیح داده شود جا دارد که مطالبی راجع به جی و قدمت آن و همچنین پل شهرستان و بقعه‌الراشد بالله که با آثار باستانی جی یک مجموعه پیوسته باستانی را بوجود آورده‌اند گفته شود تا اهمیت منطقه مکشوفه بخوبی روشن گردد.

جی

روایت است از ابوهریره که چون این آیت که: «وان تتولوا لتبدل قوما غیرکم» «ثم لایکونوا امثالکم» بر خدمت رسول علیه السلام فرود آمد از خدمت سؤال زفت که ای مهتر و بهتر موجودات چه کسانی که اگر ما اعراض کنیم ایشان را بجای ما مقام استبدال ارزانی فرمایند، و سلمان در پهلوی رسول علیه السلام بزبانوی خدمت نشست بود رسول علیه السلام دست مبارک بزبانوی سلمان زد و دوسه بار برسبیل تکرار فرمود که این یار و قوم من، بمعبودی که نفس محمد

بقبضه قدرت اوست که اگر ایمان را بر طاق ثریا تعلیق زنند مردان پارس از رواق ثری فراگیرند و برهان بر آنکه رسول را مراد بفارس اصفهان است قول سلمان است. روایت از عبدالله عباس ابو الطیفیل که ایشان گفتند سلمان گفت انامن اهل اصفهان من جی و همچنین عبدالله عباس گفت از سلمان شنیدم که گفت من از اصفهاتم از دیهی که آنرا جی گویند^۲

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف دکتر لطف الله هنر فر صفحه يك چنین آمده است:

در ردیف اولین شهرهائی که آریاهای ایرانی بنا نهادند یکی هم (گابه) نامیده میشده که بعدها به (گی) و (جی) تبدیل شده است نظر بموقعیت خاص این شهر که در محل تقاطع راههای عمده واقع است اصفهان از جمله اقامتگاههای سلطنتی شهریاران هخامنشی بوده و در تواریخ قدیم بنام (گایا) یا (جی) در پارس علیا معرفی گردیده است. نام (گابه) یا (گابن) ابتداء در ضمن محاربات اسکندر و بعد در وقایع جنگهای جانشینان او در زبان یونانیها راه یافته است.

پروفسور هرتسفلد میگوید:

نام اصفهان در ابتداء (انزان) بوده و سپس به گابیان تبدیل یافته و از دوره هخامنشیان ببعده به گی و بعد به (جی) تبدیل شده است^۲ حافظ ابو نعیم مورخ اصفهانی و از اعلام محدثین قرن چهارم هجری در یکی از تألیفات خود بنام (ذکر اخبار اصفهان) کیفیت توسعه شهر اصفهان را بشرح ذیل آورده است.

اصفهان شامل سه استان وسی روستا و یکصد و بیست طسوج

(۲) ترجمه محاسن اصفهان بقلم حسین بن محمد ابی الرضا آوی در سال

۷۲۹ هجری باهتمام عباس اقبال ص ۷۰

(۳) گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف دکتر لطف الله هنر فر ص ۲

و پنجهزار قریه (دیه) و هفت شهر بوده است اسامی شهرها عبارتست از شهر (کپشه) (جی) (جار) (قه) (مهرین) (دررام) و شهر (سارویه) چهار شهر از این هفت شهر خراب شد و سه شهر دیگر یعنی (جی) و (مهرین) و (قه) تا ظهور اسلام بر جای ماند^۴:

در کتاب آثار ملی اصفهان تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی صفحه اول در شرح اسامی شهرهای اصفهان چنین آمده است:

۱- کپشه^۵ ۲- جار ۳- جی ۴- قه ۵- مهرین ۶- درام ۷- سارویه شهرهای کپشه-جار-درام-سارویه پیش از اسلام ویران گردید بطوریکه هنگام فتح اصفهان بوسیله مسلمانان که بنا بر اختلاف سال ۱۹ و یا ۲۱ هجرت بوده فقط شهرهای جی - قه و مهرین^۶ باقیمانده بود و مشتمل بر دو استان و بیست و هفت روستا و سه هزار و سیصد و سیزده قریه بود.

پس از ورود اعراب با اصفهان شهرهای قه از روستای جه و سارویه از روستای کاشان را ویران ساختند و فقط شهر جی باقی ماند.

در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان تألیف محمد مهدی بن محمد رضا الاصفهانی بتصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده در فصل ششم در ذکر بلوکات اصفهان آمده است.

اول بلوک جی است، سابقاً سمت نگارش یافت که ناحیه اصفهان را با اسم قدیم شهر که موسوم بجی بوده تمام آنرا برسبیل

(۴) گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف دکتر لطفاله هنرفر ص ۱۲

(۵) درذیل همان صفحه آمده: (در بعضی از جاهای کتاب ذکر اخبار

اصفهان ابونعیم کپشه تبای منقوط است.)

(۶) درذیل همان صفحه آمده: (مهرین و سارویه از بناهای طهمورث بوده

است فارسنامه ابن بلخی ص ۳۵)

عموم ناحیه جی میگفته اند و قصاید شعر ادرمدایح او با اکثر درباب جی عام است و بعد تسمیه شهر باصفهان و تقسیم سایر بلوک ، این بلوک راجی خاص نامیده اند که شهر اصفهان هم در حقیقت بزمین آن واقع شده است و قراء آن از سه طرف محیط بشهر است . این بلوک در دو طرف زاینده رود واقع است ، آنچه طرف شمال رود است جی مطلق نامیده و آنچه طرف جنوب زاینده رود میباشد آنرا (برزرود) جی میخوانند اما قطعه شمالی ، حد شمال مایل بمغربش بلوک برخوار است و شمال مایل بمشرقش بلوک قهاب ، حد مشرقش بلوک برآن و بعض قهاب است .

حد جنوبش شهر وزاینده رود است حد مغربش بلوک ماربین است که حد مغرب شهر و جی هر دو همین بلوک باشد و خاک جی از طرف مشرف و کنار رود تا یک فرسخ و نیم است یعنی از دروازه شهر موسوم به (ظله) تا پل شهرستان نیم فرسخ و از پل مذکور تا قریه (زردنجان) و (سروش بادران) که متصل ببرا آن میباشد یک فرسخ است و خاک جی منتهی باین دو قریه است و اگرچه این دو قریه عمل دیوانیش با بلوک کرارج است که محاذی آنها بطرف جنوب رود واقع شد ، و لکن در حقیقت اینها از خاک جی اند و آخر آن میباشد . عرض این جی شمالی قریب یک فرسخ و طولش یک فرسخ و نیم است زمین این بلوک شیرین و آب آن از زاینده رود است . . . و اما قطعه جنوبی که برزرو دجی است و وضعش از قطعه شمالی بتفاوت و قسمت و حدود آن بقسم دیگر واقع است . طرف مشرق آن پل شهرستان منتهی میشود که از دروازه ظله تا آنجا نیم فرسخ است و حد مشرقی آن آنجا و متصل ببلوک کرارج است ، طرف مغربش بلوک لنجان و منتهی است بگردنه کوچکی که آخر زمین دستگرد است و اول لنجان و از پل مارنان بطرف مغرب تا آنجا یک فرسخ

است و معاذی این يك فرسخ بطرف شمال زاینده رود تمام بلوک
 ماربین است و چنانچه جی شمالی از سرپل شهرستان تازردنجان
 و سروش بادران که آخر جی است يك فرسخ میباشد و مقابلش
 طرف جنوب رود تمام اراضی کراچ است طرف شمال برز رود
 جی زاینده رود است و طرف جنوبش کوهستان هزار دره و کوه
 صفا میباشد قریب نیم فرسخ عرض دارد و طولش قریب دو فرسخ
 است .

در کتاب نزهة القلوب تألیف حمدالله مستوفی بکوشش محمد
 دبیرسیاقي صفحه ۵۴ باب دوم در ذکر ولایت عراق عجم آمده است .
 . . . و حقوق دیوانی اصفهان بتمغا مقررست، و در سنه خمس
 و ثلاثین خانی سی و پنج تومان حاصل داشت ولایتش هشت ناحیه
 است و چهارصد پاره دیه بیرون مزارع که داخل دیهها باشد :
 اول ناحیت جی در حوالی شهر باشد هفتاد و پنج پاره دیه و
 طهران و ماریانان و جاوان و شهرستان که آنرا شهرنو اصفهان
 خوانده اند و اسکندر رومی ساخته و فیروزان ساسانی تجدید
 عمارتش کرده و معظم قرای آن ناحیه است .

در کتاب ترجمه محاسن اصفهان بقلم حسین بن محمد بن ابی
 الرضا آوی در سال ۷۲۹ هجری باهتمام عباس اقبال در ذکر دوم در
 نعت اصفهان و نواحی متفرجات و متنزهات بطریق تفصیل آمده :
 چون مدینه جی که خوشتر و نیکوتر نواحی و متنزهات است
 از جهت آب و هوا و باغ و بوستان و مناقب سینه و مراتب علیه اصفهان
 در آن منحصر و واجب شد از شرف و فضیلت آن مضاف با فضایل اصفهان
 و طرفی ذکر کردن ، قال ابو عامر الجروانی

سقا الله جیاً ان جیاً لذینة
فلا بقة باللیل یوزیک لسعها
و ماء رکایاها زلال کانه
من الغیث مایسری بهائم یبکر
لنوم ولا برغوثة حین تسهر
اذا ماجری فی الحلق ثلج و سکر

اجماع عیون مشایخ و اکابر و اتفاق و جوه و بطون صحایف و دفاتر منعقد و مثبت است بر آنکه قهندز سارویه در وقت ظهور طوفان آتش در ایام فرس بجمع حکماء آن وقت و مهندسان آن زمان احضار فرمود جهت تعیین موضع و خزانه کتب بر طریقه هرمان برای تحفظ و صیانت علوم و استبقاء کتب معقول و منقول . بعد از امعان تأمل و استقصاء تفکر و تدبیر در اختیار باتفاق زمین مدینه جی را اختیار کردند از جهت طیب طینت و صلابت آن و بقا و وقایت کتب و مضمونات آن ، سارویه در تهنتم و تهنس و تشیید اساس و استواری بنیاد کتب خانه افراط اتفاق و وفور خرج ارزانی داشت و اخلاطی چند که سبب صیانت می شد از خرق و حرق و پوسیدگی کتاب و پوشیدگی مافی الباب باگل اختلاط و امتزاج دادند و خزانه ممرهد و مشیید با تمام رسانیده مستقر و مستودع علوم و کتب ساختند و غرض ابقا و مقصود تحفظ بحصول پیوست . چون مدت روزگار بر آن امتداد استمرار یافت و طوفان منطقی شد پیش از زمان مایسالی چند یک جانب آن خزانه خرابی یافت و بیفتاد ، شکافی پیدا شد و از جی یافتند بسان گوری مرتب و معقود از گل شینفتق لازب در غایت صلابت و سختی پراز کتب اوایل و متقدمان مکتوب بر پوست توزب زبان و لغت پارسی چرا که پوست توزاز آفت عفونت و پوسیدگی دورتر بود و از دروس و ناچیز شدن بسلامت نزدیکتر و حمزه اصفهانی در کتاب اصفهان یاد کرده است که این مدینه را اسکندر بنا فرمود بردست معماری جی بن زراده اصفهانی و این شهر بنام او شهرت یافت . و بعضی گویند این مدینه مبنی بود

پیش از زمان جم، در وقتی که افراسیاب ترك مداین ایرانشهر خراب
 میکرد این رانیز خراب گردانید، بعد از آن خماتی جمعه آزاد دختر
 بهمن اسفندیار که پیش از آمدن اسکندر بدان حدود بر تخت پخت
 مملکت در تحت تصرف و فرمان او بود اساس و بنای آنرا فرمان فرمود و بعد
 از وفات خمانی ملکه رایت اسکندری بدانجا نزول فرمود، يك نیمه
 باروی صورت ارتفاع یافته بود اسکندر چون آنجا عمارتی زیارت
 ندید و ارادات عمارت] نداشت برقرار بگذاشت، بعد از آن بر آن
 منوال حال شهر یاری و روزگار منتهی شد بنوبت دولت فیروز بن
 یزدجرد و صورت آن بود که فیروز فرمان فرستاده بود بآذر شاپوران
 پسر آذرمانان پهلوان از دیه هرستان از رستای مار بین جد مافروخ -
 بن بختیار که جد صاحب رساله محاسن بوده است با تمام باروی مدینه
 جی، و این حال پیش از اسلام بود بصد و هفتاد سال آذر شاپوران
 بر مقتضای فرمان بنای باروی را تمام کرد و شرف و مواضع مقاتله و
 تیر گذارها را کماینبفی و شاید مرکب و مرتب ساخت و چهار در بر آن
 تعلیق کرد یکی دروازه جور نام کرد برابر میدان بازار، و دوم دروازه
 ماه که دروازه اسفیش می گویند، و سیوم دروازه تیر که تیره میخوانند،
 و چهارم دروازه جوش که معروفست بدروازه جهودان و در پهلوی آن
 دیهی بنا کرد نام آن آذر شاپوران و در آن دیه سرایی عالی در حال عمارت
 آورد و در باغ سرای ایوانی رفیع بر افراشت و آنرا آتشکده ساخت و
 آن دیه بر آن وقف کرد. و از غرائب آن بتایکی آنست که تیر اعظم را
 بوقت وصول باول درجه جدی مطلع مشرق دروازه جور باشد و مغرب
 دروازه جهودان و باول درجه سرطان مشرق دروازه ماه باشد که آنرا
 اسفیش میخوانند و مغرب تیره و عرض اساس و پهنای باروی شست
 خشت بود بیرون از فریضها بشیفتق محکم و ملزق گرانیده

و بعضی متقدمان آورده اند که بردری از درها دیدیم که نوشته بود برین سیاق :

اشتادویرموکل برگلیگران و قیاسان گوید که بهای نام خورش
 عمله و کارکنان آن باروی مدت عمارت بمبلغ ششصد هزار درم برسید.
 و بعضی دیگر گویند رفعی از آن موکل بیرون آمد مبلغ پنجاه
 هزار درم استرداد کرده برخرج عمارت فرهیزها و گل شیفتق
 صرف نمود.

و حمزه اصفهانی در کتاب اصفهان یاد کرده است که فیروز بن
 یزدجرد بملکی از ملک روم مکتوم نوشت مشتمل بر استهداء حکیمی
 حاذق و طبیبی ماهر از حکماء روم. آن ملک نامه فیروز را بقبول تلقی
 نمود و در روز اختیار حکیمی فاضل و طبیبی کامل نمود و بجانب فیروز
 روانه فرمود چون بحضرت فیروز رسید و زمین خدمت را بلب ادب
 ببوسید و شرایط بندگی بتقدیم رسانید فیروز گفت ای حکیم سبب
 دعوت تو ما را و موجب استحضار بمملکت ما آنست که از بلاد ممالک من
 بقعه اختیار کنی که ارکان کبار و عناصر چهارگانه که طول بقاء حیوان
 بسلامت آن منوط نزدیکتر ببینند در آن بقعه در حیز کمال و وسط
 اعتدال افتاده باشد.

حکیم گفت صبح دولتی ملکی بشام دور فلکی مقرون باد و حوادث
 دهر بوقلمون مطابق و موافق عزایم همایون، این چنین بقعه بهشتی
 بودار دریابم، بمنزلی بدین سان و مقامی چنان مشکل توان رسید،
 این ره نه بیای چون منی یافته اند. ملک فیروز فرمود در شهرها سیاحت
 باید کرد و زمینها را مساحت و نورده، هر کجا نظر اختیار تو پسندد ما را
 اعلام نماید تا در زیادتی عمارت آنجا تقدم بنفاد پیوندد و دارالملک
 ساخته بدانجا اسباب نقل و تحویل مهیا و آماده گرداند.
 حکیم چون مجال استعفا نیافت از فرمان من اشارت حکم و طاعت

غنم سرنتافت و بزودی سازسفر و بسیج راه کرده باطراف ممالک
شتافت . بعد از تجربه فراوان و امتحان آب و زمین و مایتولد منها
دارالقرار بر اصفهان انداخت و میخ اقامت آنجا فرو کوفته منزلگاه
ساخت و مکتوب بندگی بخدمت فیروز عرضه داشت که این کمینه اطراف
فاق را طواف کرده پس پشت گذاشت و از سعی و اجتهاد بلیغ زحمت بسیار
کشید، در ربیع مسکون خوشتر از عراق عجم ندید، بشهری رسید که
از تساوی ارکان و تماس و تصاغر اجزای آن مزاجی حادث می گردد که
مسیح را حیات بخشد و حیات را بقا و بقا را خلود یعنی اصفهان
بر صحرای آن میان هر دو حصن دیه بران نزول کرد. اگر رای جهان
آرای فیروزی مرافیروزی اقطاع ما بین الحصین فرموده بنای کنشتی
وسرائی اطلاق فرماید در جهاننداری و بختیاری هماتا کمال عاطفت
افزاید .

فیروز ملك بعد از وقوف بر مضمون مکتوب و اطلاع بر مستدعی،
طلب و سئوال او را بحصول و اجابت مقرون گردانید و فرمان فرمود
به آذرشاپوران بن آذرمانان اصفهانی جد مافروخ بن بختیار در سعی و
اتمام باروی مدینه جی و درها بر کار نشانندن و عزیمت همایون مصمم
فرمود بتحویل از عراق با اصفهان .
چون آذرشاپوران اشارت مملکت آرای را امثال و انقیاد نمود و
فرموده را چنانچه بود در اجتهاد اتمام افزود عزیمت ملك نقض یافته
بزمین هیاطله نقل کرد و آنجا سر خود بدست خود بخورد .

کیفیت ساختمان باروی جی

پایه ساختمان بارو باندازه ای استحکام داشت که پهنای آن سوای
گل و ملاط چسبیده بن آن شصت خشت بود و بر بالای آن کنگره هائی
قرار داد و برای کارزار و تیراندازی سوراخها و جاهائی را مهیا کرد،

سپس چهار دروازه از چهار طرف بارو در چهار روز آماده کرد، دروازه‌ای که روی آن بطرف میدان بازار بود در روز خور بسته میشد و آن را: دروازه خور یعنی دروازه خورشید مینامیدند، و فردای آن روز یعنی در روز ماه دروازه دوم را می بست و آنرا ماه بر یعنی دروازه ماه مینامیدند و آن محل را بعدها اسفیس و اسفیش و در زمان شئیش نیز میگویند که محل کنونی محله بیدآباد است و روز بعد که روز تیر باشد دروازه سوم را می بست و آنرا تیر بر یعنی دروازه تیر که عطار د باشد میخواندند و روز بعد دروازه چهارم را می بستند و آنرا گوش برویا دروازه یهودیه میگفتند و علت تسمیه اخیر آنست که عده‌ای از اولاد گوش بن حام بن نوح که طایفه الوار باشند در آن جا سکونت داشتند.^۷

مساحت شهر جی

دوره باروی آن دو هزار تنی بوده پس مساحت شهر دو هزار جریب بوده است زیرا قطر شهر سیصد و بیست تنی است و چنانچه نصف قطر آنرا در نصف دایره اش ضرب کنیم حاصل هشتاد هزار تنی میشود که عبارت از دو هزار جریب باشد و در باروی آن یکصد و چهار قصر (کوشک) بوده که هر یک بصورت برجهای منحنی و فراخ با فواصل ثابت از سور «حصار» شهر بنا شده و از باب (دروازه) خورتا باب (یهودیه صغری) یک هزار و یکصد ذراع و در میان این دو دروازه هیجده برج واقع بوده و از آنجا تا دروازه تیره یک هزار و یکصد ذراع و مابین آنها سی و سه برج و از آنجا تا دروازه (اسفیس) یک هزار و سیصد ذراع و در میان بیست و چهار برج و از آنجا تا دروازه (خور) یک هزار و چهار صد ذراع و در میان سی و پنج برج بنا بر این دوران شهر جی هفت هزار

(۷) آثار ملی اصفهان تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی ص ۳

ویکصد ذراع و بذراع دست [ده] هزار و ششصد و پنجاه ذراع و طول آن یکهزار و پانصد و عرض یکهزار و هفتصد و پنجاه و دو ذراع بوده است .

این مساحت بشرحی که ذکر شد از محمد بن لره حسابدهار است .^۸

اسکان شهر جی

شهر جی پیش از اسلام قلعه‌ای بود برای مردم دهات روستای جی و خود مردم در شهرقه سکونت داشتند و تنها خانه مطیار بود که بامر خسرو پرویز در ازاء فتح قسطنطنیه برای او در جی ساخته شده بود در آنجا قرار داشت ، ولی پس از فتح اصفهان از طرف مسلمانان و خراب کردن شهرقه مردم قه هم در جی ساکن شدند .^۹

پل شهرستان

رودخانه زاینده رود که آنرا باسامی زنده رود و زرین رود نیز خوانده‌اند بزرگترین رودخانه مرکزی ایران است که از کوه‌های زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و پس از پیوستن شعب متعدد و جویبارهای بیشمار ی آن در جنوب شرقی اصفهان به مرداب گاوخونی میریزد این رود که تمام آبادانی و حاصلخیزی اصفهان بدان بستگی دارد پس از ورود به جلگه اصفهان شهر را بدو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم میکند .

برای عبور از روی رودخانه زاینده رود از قدیم پل‌های متعددی ساخته‌اند که معروفترین آنها از سوی سرچشمه بطرف مصب آن عبارتند : پل اورگان ، پل زمان خان ، پل کله ، پل بابا محمود ، پل فلاورجان ، پل مارتان ، پل الله وردیخان یاسی و سه پل ،

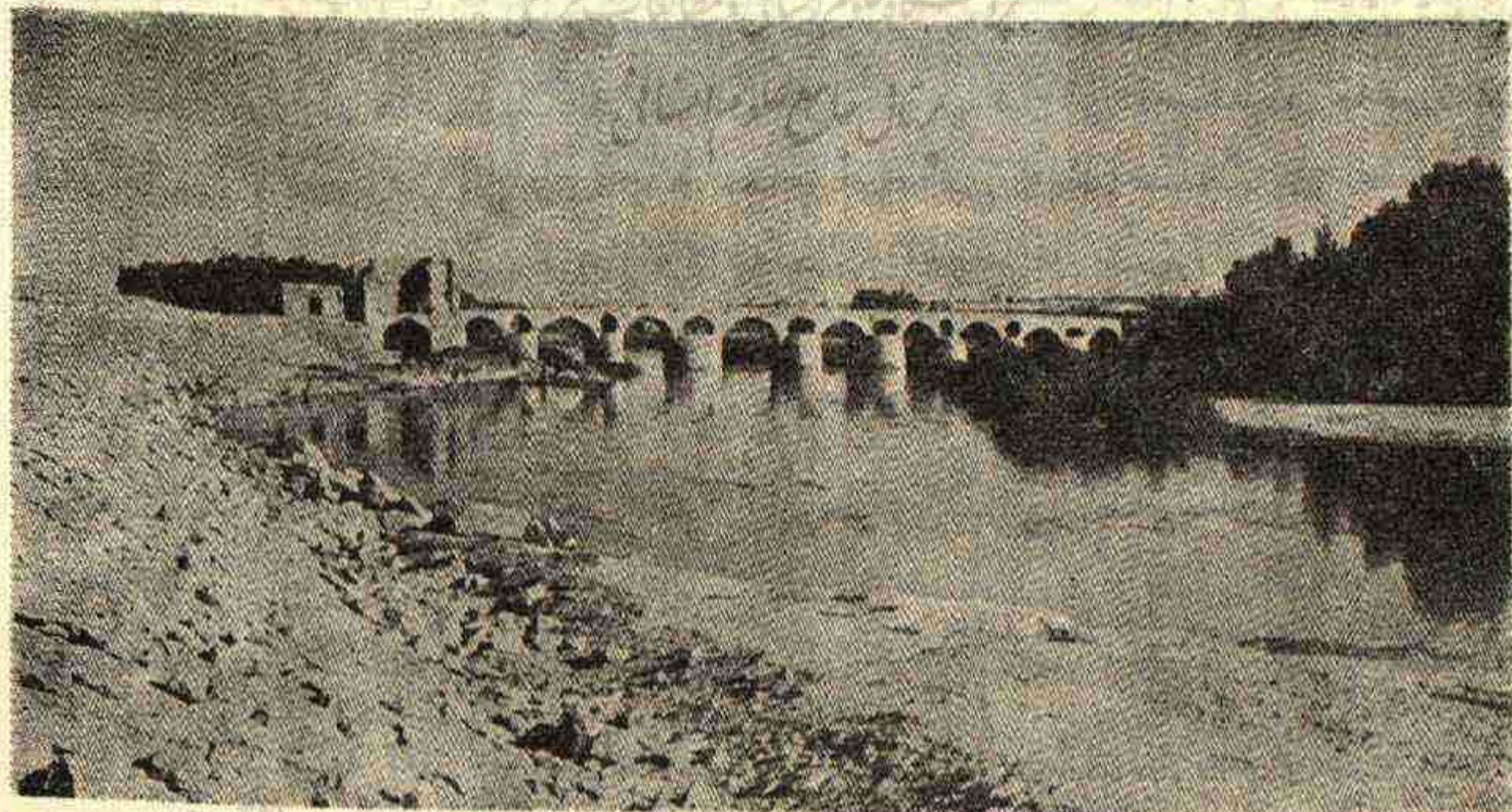
(۸) گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف دکتر لطف‌الله هنرفر ص ۱۶-۱۷

(۹) آثار ملی اصفهان تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی ص ۴

پل چوبی ، پل خواجو ، پل شهرستان ، پل چوم ، پل سروشفادران و پل ورزنه . مشهورترین این پلها مخصوصاً آهنائی که از لحاظ معماری و تاریخی اهمیت دارد پل الله وردیخان و پل خواجو و پل شهرستان میباشد و قدیمترین این سه پل ، پل شهرستان است .

پل شهرستان در مشرق پل خواجو و مقابل ناحیه جی واقع شده و بعقیده بعضی از مورخین و باستانشناسان دارای اساس و بنیاد ساسانی است ولی چون اصطخری نوشته از رودخانه باقاییق عبور میکرده اند ، تصور می رود که این پل در زمان دیالمه ساخته شده و بعد قسمتهای فوقاتی آن مرمت و تجدید بنا گردیده است در هر صورت در دوره دیلمیان و سلجوقیان تنها پل مهم زاینده رود در داخل شهر اصفهان بوده است . پل مذکور امروز واسطه ارتباط قسمتی از اراضی جنوب زاینده رود بانواحی شمالی رودخانه و قریه شهرستان (جی) است عکس شماره ۴

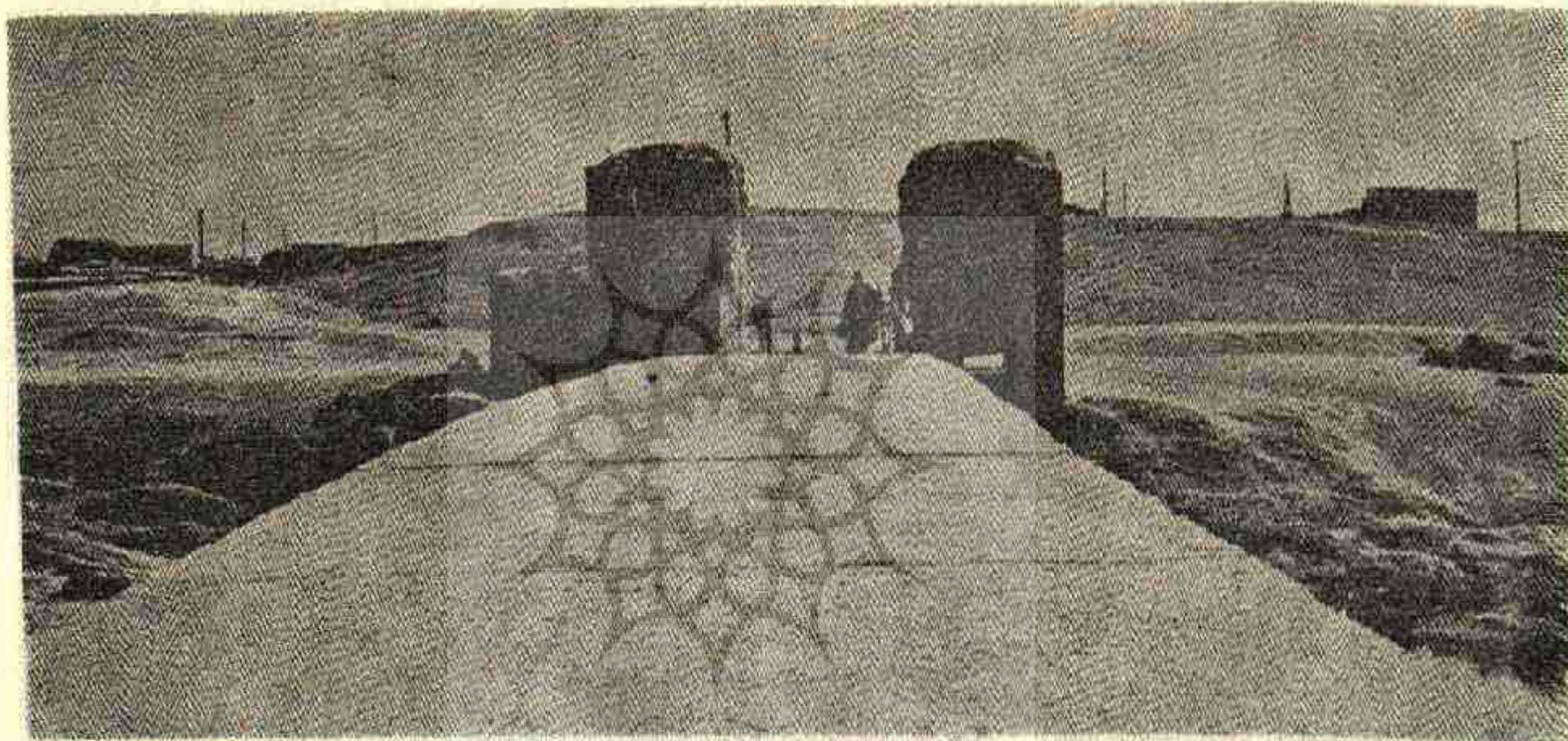
در ایران پلهای دیگری که از نظر قدمت و مشابهت ساختمان



پل شهرستان

عکس شماره ۴

با این پل برابری میکند. پلهای دزفول و شوشتر است که بعقیده باستانشناسان دو پل مزبور نیز دارای اساس و بنیاد ساسانی است. در جبهه شمالی پل شهرستان و در دو سوی آن بنائی بچشم میخورد که بعقیده معمرین محلی گمرک خانه بوده است (عکس شماره ۵) آثار باقیمانده از این گمرک خانه بسیار صدمه دیده است و اگرچنانچه این محل جهت جمع آوری عوارض عبور و مرور هم نبوده باشد احیاناً جهت بازرسی مورد استفاده قرار میگرفته و این



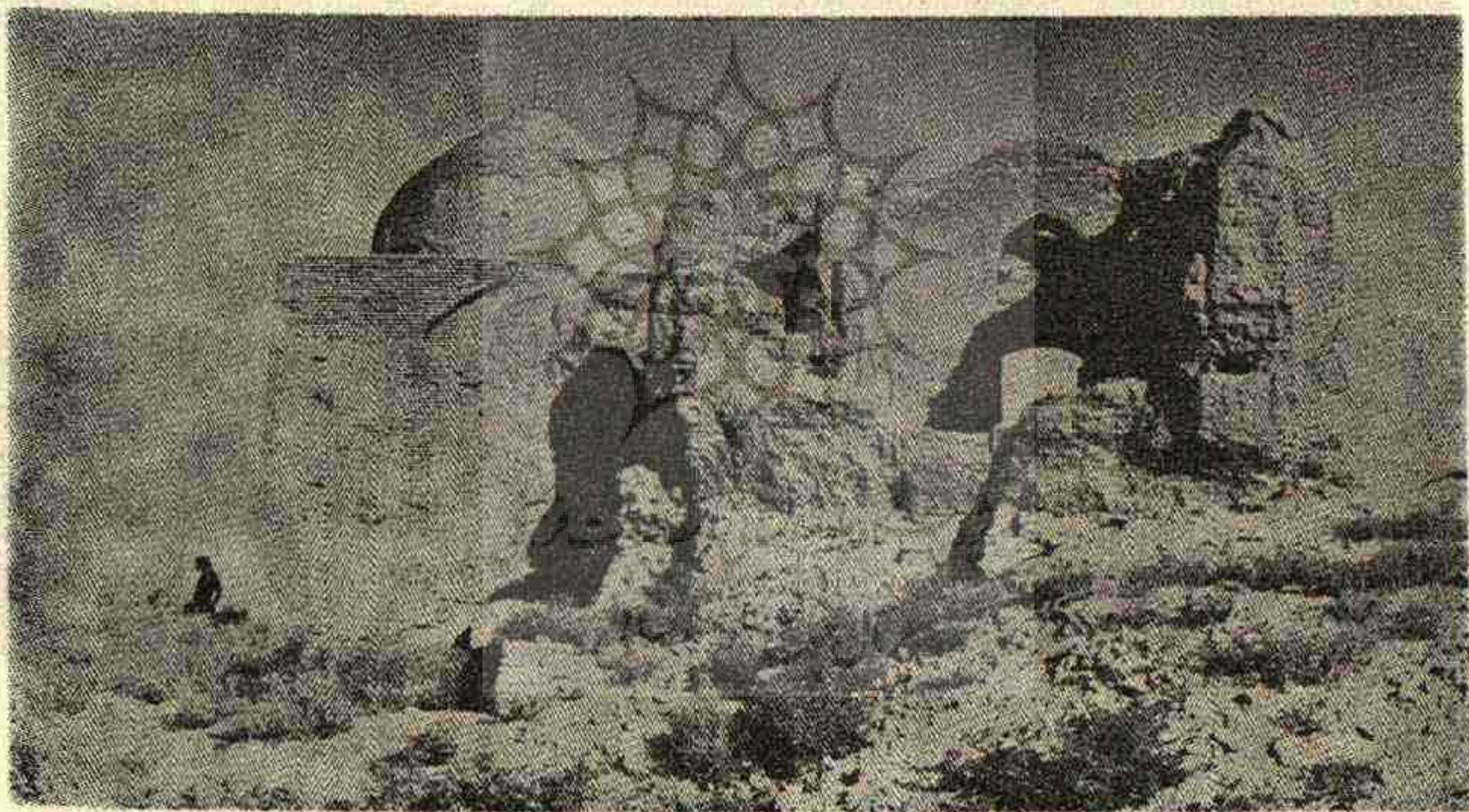
عکس شماره ۵
بنای موسوم به گمرکخانه در پل شهرستان

بازرسی هم از ناحیه مشرف به قریه شهرستان انجام میگرفته است بنای مذکور نسبت به تاریخ بنیاد پل قدمت کمتری دارد. سطح پل در چند سال اخیر آسفالت گردیده و اخیراً جهت حفاظت آن عبور و مرور وسائل سنگین در سطح پل ممنوع اعلام شده است.

بقعه الراشد بالله

در حد شمالی منطقه جی باستان و در جنوب قریه شهرستان بقعه الراشد بالله باگنبد آجری و دیوارهای خراب (عکس شماره ۶)

بیچشم میخورد. در داخل بقعه صورت دو قبر موجود است که ضریحی از چوب دارد و اهالی قریه شهرستان معتقدند که یکی از دو قبر شاهزاده ایراهیم و دیگری حسین بن زید بن علی است در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تالیف دکتر لطف الله هنرفر چنین آمده است: مورخین عموماً این مقبره را آرامگاه (الراشد بالله) خلیفه عباسی معرفی کرده اند که در رمضان سال ۵۳۲ هجری در جی بقتل رسیده و در همین نقطه مدفون شده است.



عکس شماره ۶

گنبد آجری و دیوارهای مخروبه بقعه الراشد بالله

تفصیل این واقعه چنین است که، مسترشد خلیفه عباسی در تاریخ ۱۸ ذی القعدة سال ۵۲۹ هجری (در آغاز سال ۱۲۹۴ شاهنشاهی) بدست جمعی از باطنیان بقتل رسید و بعد از قتل او فرزندش راشد بجای او نشست و او که از پرداختن خراج سالیانه عاجز بود در سال ۵۳۰ (۱۲۹۵ شاهنشاهی) باسلطان مسعود بن محمد سلجوقی در نزاع افتاد و نام او را از خطبه انداخت و داود برادر مدعی او را

سلطان خواند و امرای اطراف را بجننگ بامسعود و عصیان بر او
 داداشت . مسعود ببغداد آمد و راشد از ترس باتایک موصل پناه
 جست و مقنعی بجای او بخلافت اختیار شد .

در سال ۵۳۲ (۱۲۹۷ شاهنشاهی) راشد از موصل بآذربایجان
 پیش داود رفت و اتایک فارس و بعضی دیگر از امرا هم که از
 مسعود ترس داشتند دور داود و راشد را گرفتند و بجننگ مسعود
 آمدند . مسعود در شعبان این سال آنها را در نزدیک دینور شکست
 داد . راشد با داود بخوزستان آمد و از آنجا باصفهان رفت و در آن
 شهر در ۲۵ رمضان ۵۳۲ (۱۲۹۷ شاهنشاهی) بدست یک تن از
 اسماعیلیه بضرب کاردجان سپرد .

قدیمترین مورخی که تفصیل قتل الراشد بالله را در شهر
 اصفهان نوشته است (عمادکاتب اصفهانی) میباشد که در کتاب
 (تاریخ دولت آل سلجوق) شرح این واقعه را که خودشاهد آن بوده
 نوشته است بنابراین آنچه او نوشته از روی علم و اطلاع کامل
 میباشد . وی مینویسد :

الراشد بالله پس از قتل پدرش المسترشد بالله در ذیقعد
 ۵۲۹ (آغاز سال ۱۲۹۴ شاهنشاهی) در بغداد بخلافت نشست و مدت
 ۹ ماه با ترس و اضطراب زیاد خلافت نمود تا اینکه سلطان مسعود
 سلجوقی ببغداد آمد و خلیفه از بغداد فرار نمود و مدت دو سال
 در این شهر و آن شهر آواره بود و بالاخره بآذربایجان رفت و بد اود
 بن سلطان محمود پناه برد و با قشون وی برای محاصره اصفهان
 بجانب این شهر شتافت در محاصره اصفهان جمعی از فدائیان باطنیه
 هنگام ظهر روز سه شنبه ۲۶ شهر رمضان ۵۳۲ ناگهان بر سر او
 ریخته و وی را بقتل رسانیدند . عماد کاتب مینویسد این حادثه در
 اوان طفولیت من رخ داد و هنوز خاطره آن در ذهن من باقیست

سپس وی شرح مفصل و جالبی از محاصره اصفهان بدست داود سلجوقی و خرابیهای وارد باین شهر بدست میدهد تا باینجا که مینویسد :

(و دفن الراشد بالله فی مدینة جی و افردت له تربة فی جامعها و صارا الی الیوم موضع قبره عن اشرف مواضعها) از عبارت (و افردت له تربة) معلوم میشود بنای بقعه در همان زمان سلجوقیان بوده و مردم بواسطه عظمت مقام خلافت بزیارت قبر خلیفه توجه مخصوصی داشته و محل قبر او را مکان شریفی میدانسته اند.

واضح است که پس از گرویدن مردم اصفهان بمذهب شیعه در زمان صفویه قبر الراشد بالله نیز مانند سایر مقابر بزرگان بصورت مدفن یکی از امامزادگان درآمده است. از جغرافیا نویسان قدیمی کسیکه اسمی از مقبره الراشد بالله در شهرستان اصفهان بوده (یا قوت حموی) صاحب کتاب (معجم البلدان) است وی در جائیکه از کلمه (جی) گفتگو میکند مینویسد :

(وفی جی مشهد الراشد ابن المسترشد معروف یزاروهی علی شاطئی نهرزنده رود) (تال جامع علوم انسانی)
صاحب کتاب (مجمل التواریخ والقصص) در ذکر مدفن خلفا راجع بمدفن الراشد بالله چنین مینویسد :

(الراشد بالله باصفهان حماه الله من الافات دفن کردند)
منظره خارجی بقعه الراشد بالله مانند سایر گنبد های عهد سلجوقی آجری میباشد و هیچگونه تزئینات دیگری نداشته است ولی بامشاهده چند قطعه کاشی فیروزه ای جدید برگنبد مزبور معلوم میشود در یکی دو قرن اخیر مردم قریه که مقبره را امامزاده پنداشته اند اقدام بکاشیکاری گنبد آن نموده بودند و بر اثر عدم مراقبت تدریجاً این کاشیها هم ریخته است.

گنبدالراشد بالله در داخل تزئیناتی ندارد و با گل سفید رنگ آمیزی شده است و بطوریکه می گویند در سال ۱۳۱۶ هجری قمری (۲۴۵۷ شاهنشاهی) بوسیله یکی از بانوان نیکوکار بنام (افتخارالدوله) از این بقعه تعمیراتی انجام یافته و علیرضا موسوی متخلص بانجم در دو شعر تاریخ تعمیر این بقعه را بشرح زیر سروده است :

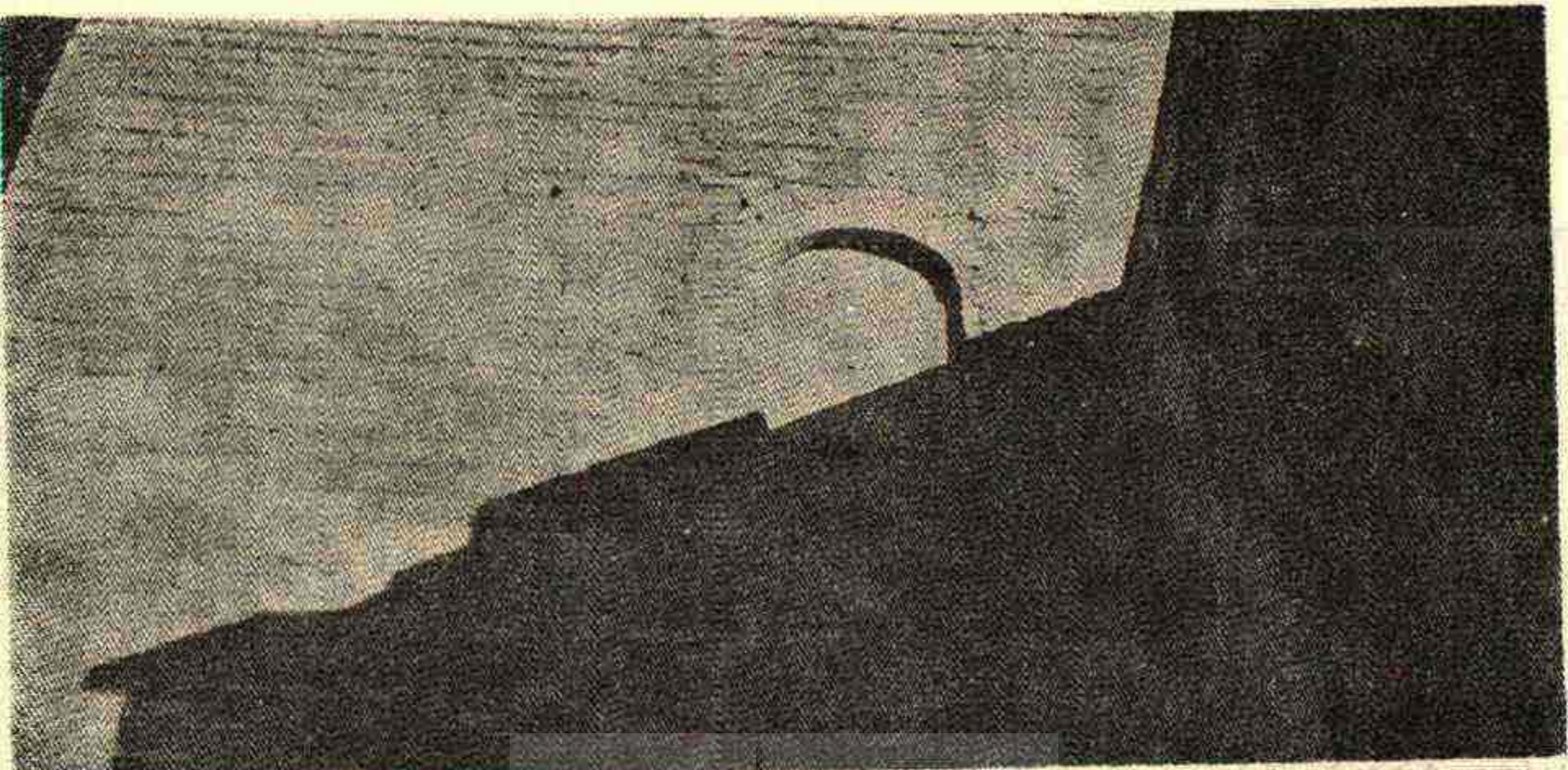
افتخارالدوله از باب کرم
انجم بیدل بتاریخش شگفت
گشت باعث بهر تعمیر حرم
الف پس سیصد دگر شانزده بگفت

کتیبه داخل بقعهالراشد بالله بخط کوفی برزمینه گچ که بعداً رنگ آمیزی شده است مشتمل بر آیه ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ از سوره (نور) است بشرح زیر :

« بسم الله الرحمن الرحيم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه »
« بسيج له فيها بالغدو والاصال . رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و »

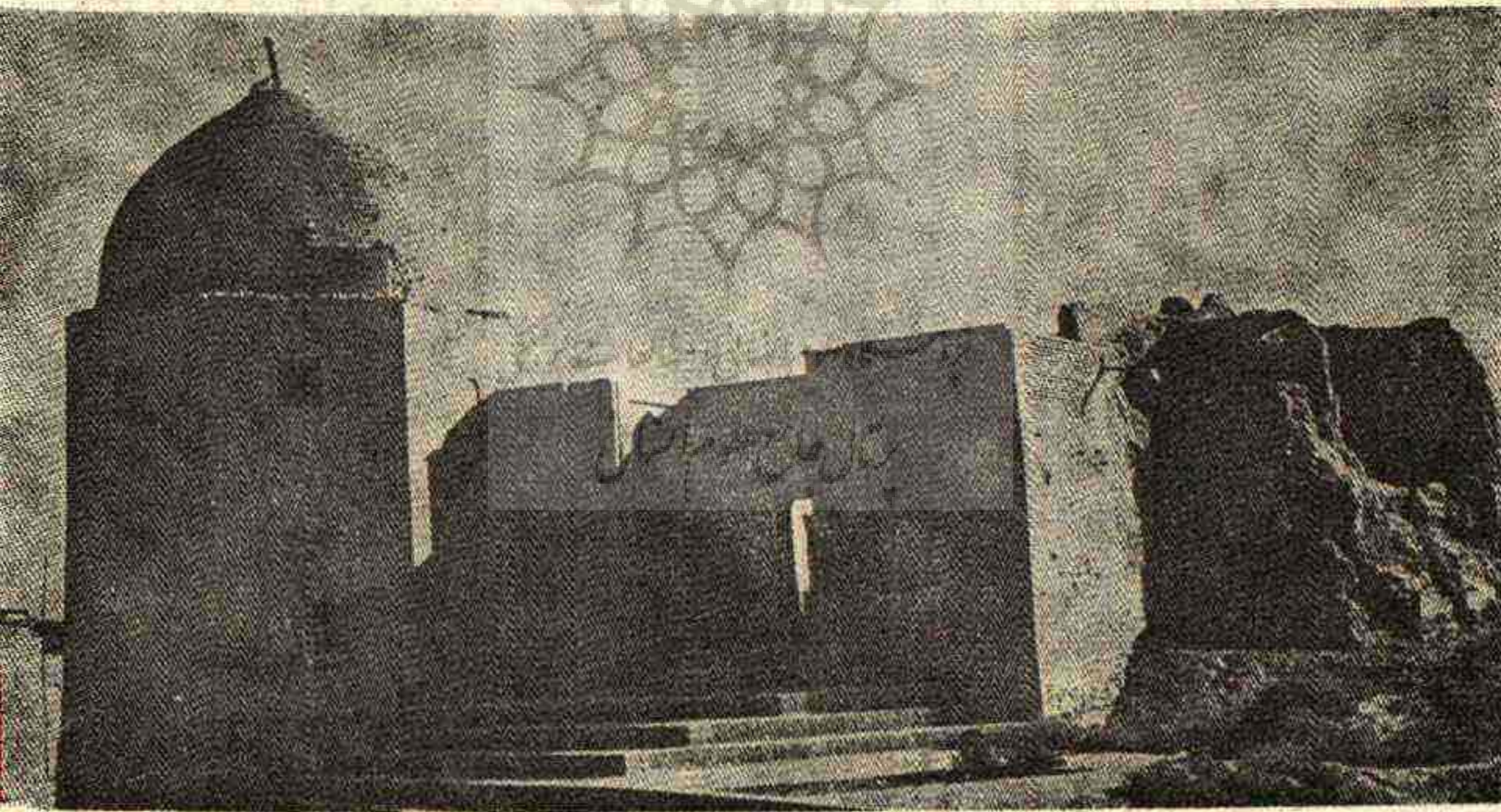
« اقام الصلوة و اتيا الزكوة يخافون يوماً تنقلب فيه القلوب و الابصار »
بطوریکه ملاحظه میشود نام خطاط کتیبه و تاریخ نصب آن با ساختمان گنبد ذکر نشده است در ضلع شمال غربی آرامگاه سنگ وقف نامه ای است (عکس شماره ۷) که متن آن چنین است :

« سنه ۱۰۸۱ وقف اولاد نمود شاه یمن بنت عباس شهرستانی و خانه - شاهزاده حسین به لعنت خدا گرفتار شود خریدار و فروشنده »
در ورودی بقعهالراشد بالله در سمت شمال آن واقع بوده و اخیراً تعمیر گردیده است (عکس شماره ۸)



عکس شماره ۷

سنگ وقف نامه در ضلع شمال غربی بقعه



عکس شماره ۸

ورودی بقعه الراشد بنالیه

پنجاه گردی مسجد جی باستان

محوطه جی باستان که در شمال زاینده رود و در جنوب قریه شهرستان به ارتفاع تقریبی ۲ متر از سطح جاده قدیمی اصفهان یزد

قرار دارد شاید تنها محلی از جی باستان باشد که آثار چند دوره در آن باقی مانده است .

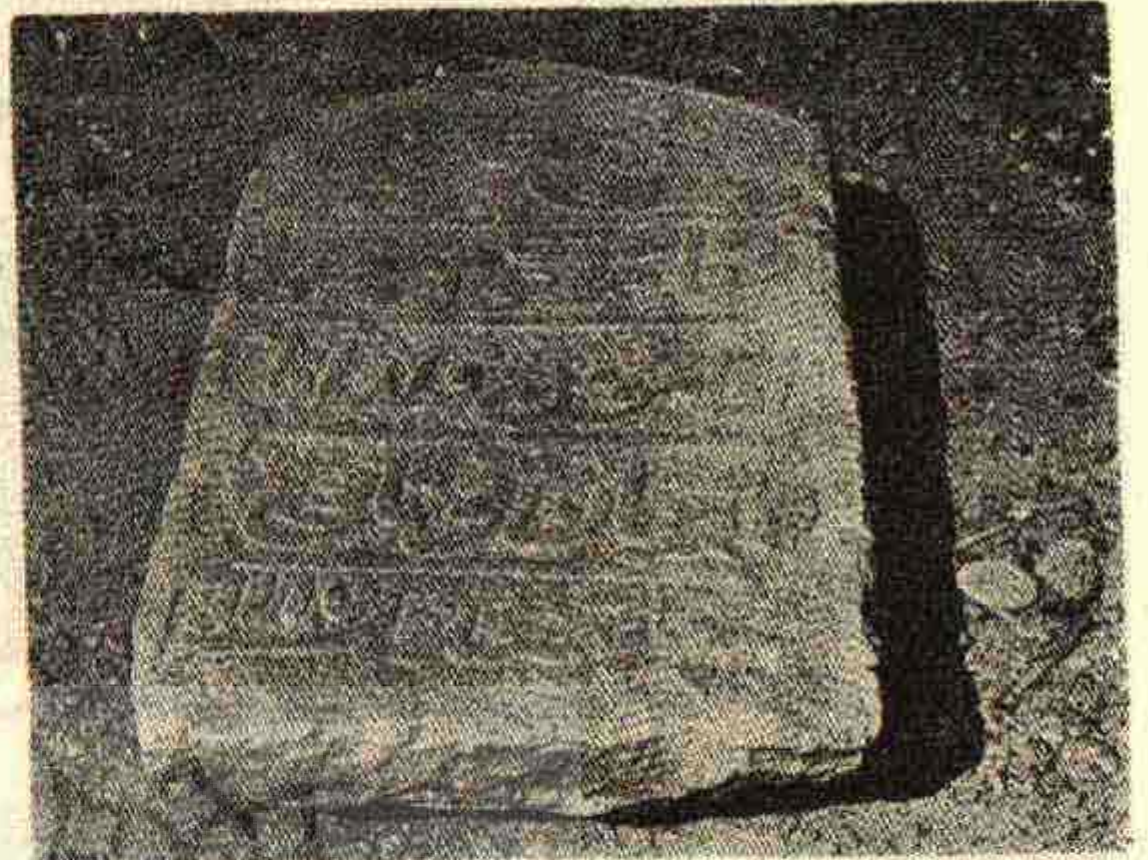
کشف این محل تاریخی که سالها بصورت قبرستان متروکه باقیمانده بود همانطور که گفته شد بر حسب تصادف پیش آمد و در نتیجه خاکبرداری جهت احداث کارخانه دست و پاسازی معلوم گردید . خاکبرداری پی های کارخانه مذکور باقیمانده بنائی را پدیدار ساخت که در عمق ۴۰ سانتیمتر از سطح زمین واقع بود و در بعضی جاها این عمق به ۲۰ سانتیمتر میرسید . برای مشخص شدن آثار این لایه روش پی گردی در محوطه ای که قبلا خاکبرداری شده بود انجام گرفت .

خاکبرداری قبلی بصورت شیارهای عمیق (عکس شماره ۲) در این سطح چون خاری بچشم میخورد و محوطه گسیخته ای را نشان میداد . همچنین گودالهای عمیقی که در گذشته جهت دست یابی به آجر حفر گردیده بود و وضع مغشوش و بهم خورده ای را بوجود آورده بود . (عکس شماره ۱)

هیئت پی گردی^{۱۰} جهت رسیدن بمقصود کار خود را در دوزمینه تقسیم نموده بود در مرحله نخست شناختن سطحی ترین لایه باستانی بعد از قبرستان کهنه و پس از آن شناسائی لایه های دیگر این مکان باستانی اولین لایه باستانی ای که خاکبرداری های قبلی آنرا بسیار مغشوش کرده بود شامل بقایای مسجدی از دوره سلجوقی بود ولی آنچه که تا حصول به این نتیجه مشخص گردید استفاده سطح اولیه این مکان باستانی بصورت قبرستان در دوره های مختلف بود و قدیمی

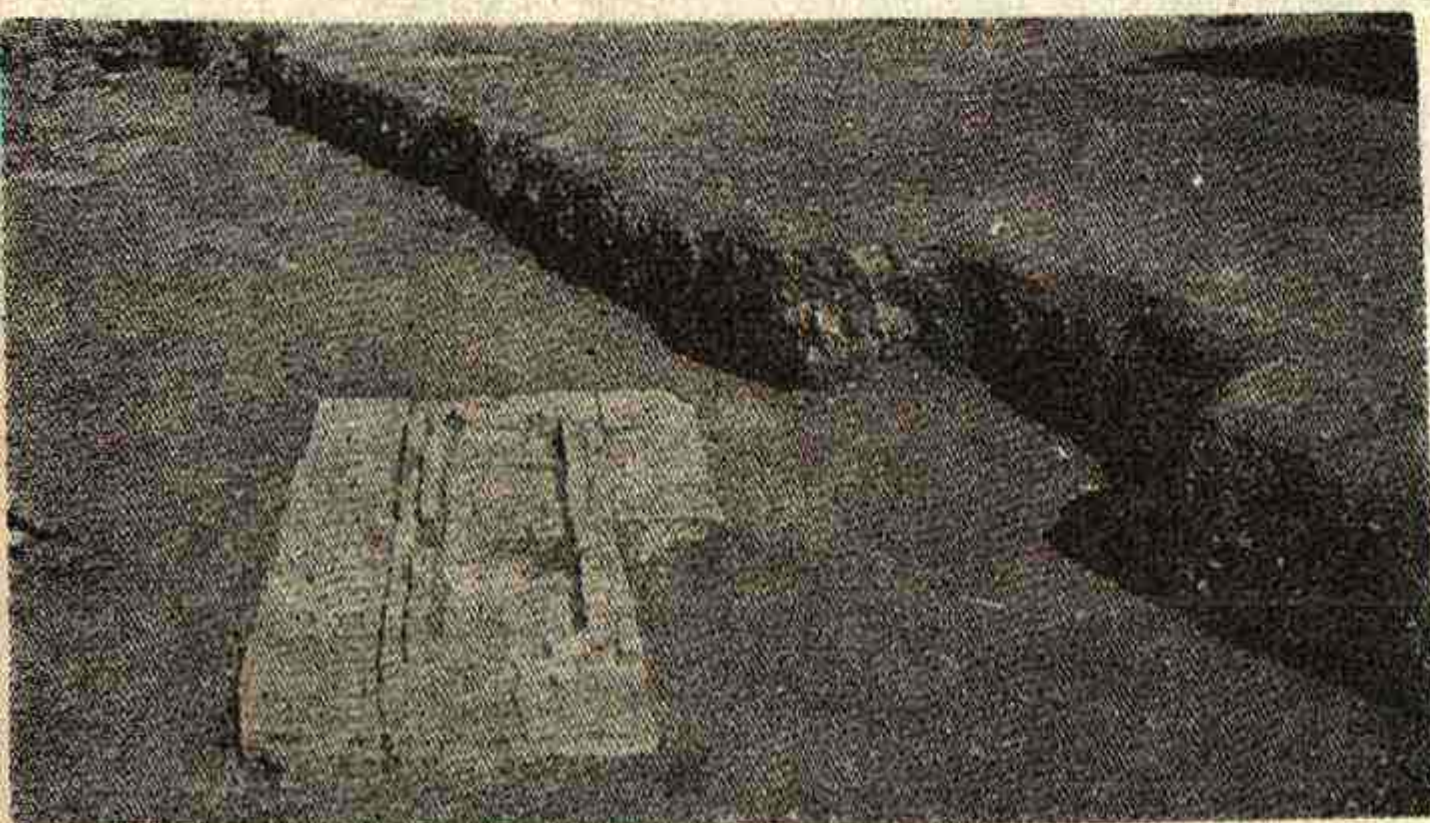
(۱۰) هیئت پی گردی متشکل از آقایان خلیلیان ایرج طباطبائی مهندس عباس لاریجانی و احمد اقطار بود که جادارد از همکاریهای صمیمانه آنها تشکر نماید

ترین قبری که بدست آمد مربوط به اواخر دوره صفویه است
با تاریخ ۱۱۱۷ (۲۲۶۵ شاهنشاهی) (عکس شماره ۹)



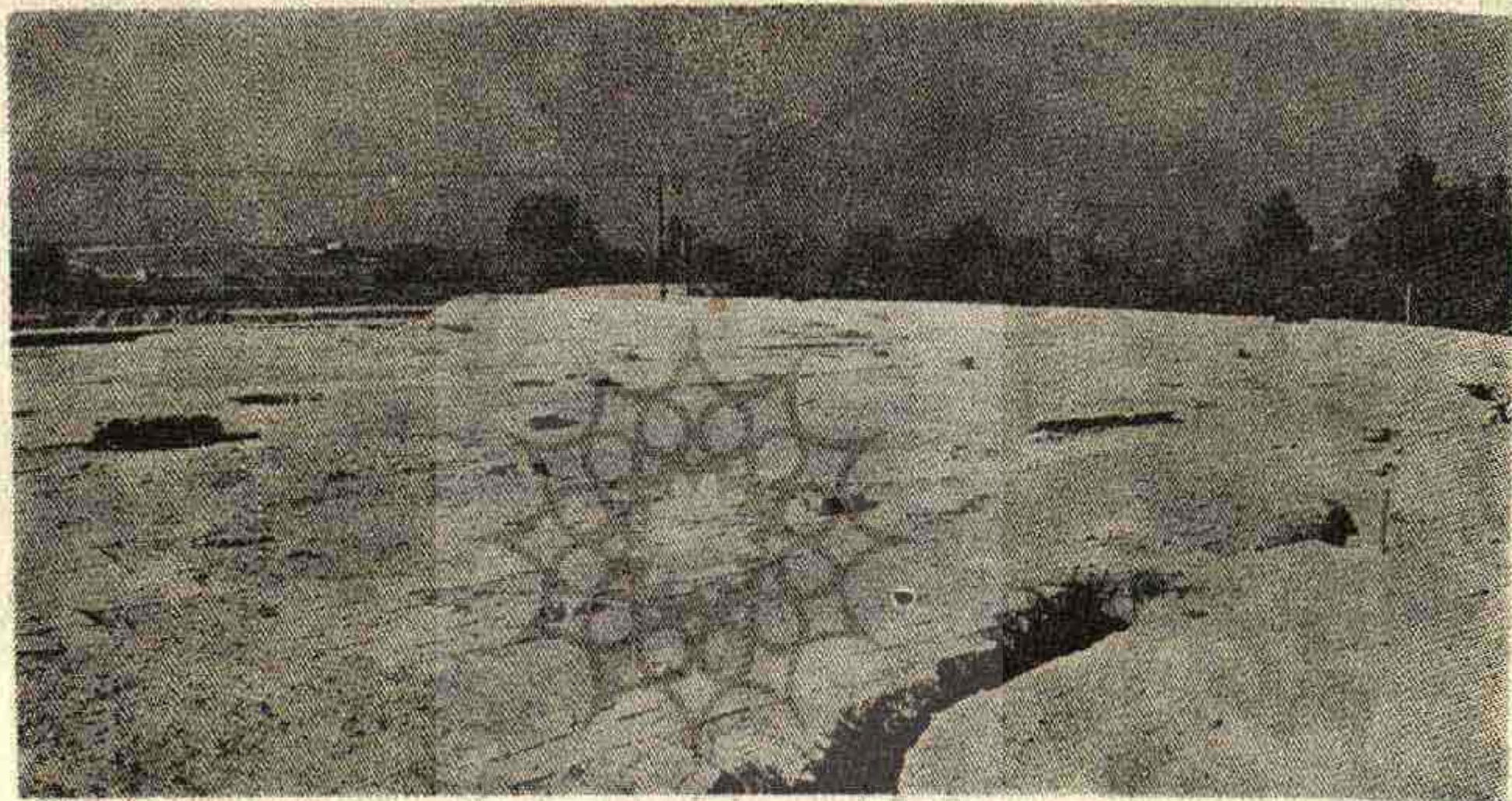
عکس شماره ۹
سنگ قبر با تاریخ ۱۱۱۷ مربوط به
اواخر دوره صفویه

علت استفاده این مکان بصورت قبرستان همجواری با قبر
الراشد بالله بود که مردم آنرا بقعه شاهزاده ابراهیم و حسین بن
زید بن علی میدانستند. در بعضی از قبور از آجرهای مسجد مشکوفه
برای پوشش روی قبر استفاده نموده بودند که این قبور متأخرتر
از دوره صفویه میباشند و جدیدترین قبر، پوششی با آجرهای متداول
داشت. (عکس شماره ۱۰)



عکس شماره ۱۰
جدیدترین قبر در محوطه
چی باستان

بعد از قبرستان کهنه و ادامه خاکبرداری بقایای مسجد دوره سلجوقی با ستونهای مدور مشخص گردید کوشش هیئت به منظور روشن نمودن چگونگی این اثر تاریخی بود. آجر فرش کف راهنمای خوبی برای عمل پی‌گردی بود و در بعضی نقاط که قبلاً خاکبرداری شده بود فقط گل و گچ زیر آجرها کارگران را به ادامه کار رهنمون بود (عکس شماره ۱۱)



عکس شماره ۱۱

آجر فرش کف مسجد و نقاطی که قبلاً آجرهای آن کنده شده است.

مسجد مکشوفه با مسجد جامع اصفهان همزمان و تا اندازه‌ای از همان بزرگی و عظمت برخوردار بوده است. قطر ستونهای مسجد جی باستان ۹۰ سانتیمتر میباشد که جهت يك دورچین از ۸ آجر استفاده شده است. طول هر آجر تقریباً ۲۹ سانتیمتر و ضخامت آن ۴/۵ سانتیمتر است و قسمت خارجی هر آجر که قسمتی از نمای ستون است قوسی در حدود ۴۵ درجه دارد (عکس شماره ۱۲)



عکس شماره ۱۲

طرح ستونهای مسجد جی باستان (این ستون یکی از ستونهای است
ک، قبلا توسط دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان
معلوم گردیده است.)

مسجد جی باستان چندین دوره مورد استفاده و تعمیر قرار
گرفته است.

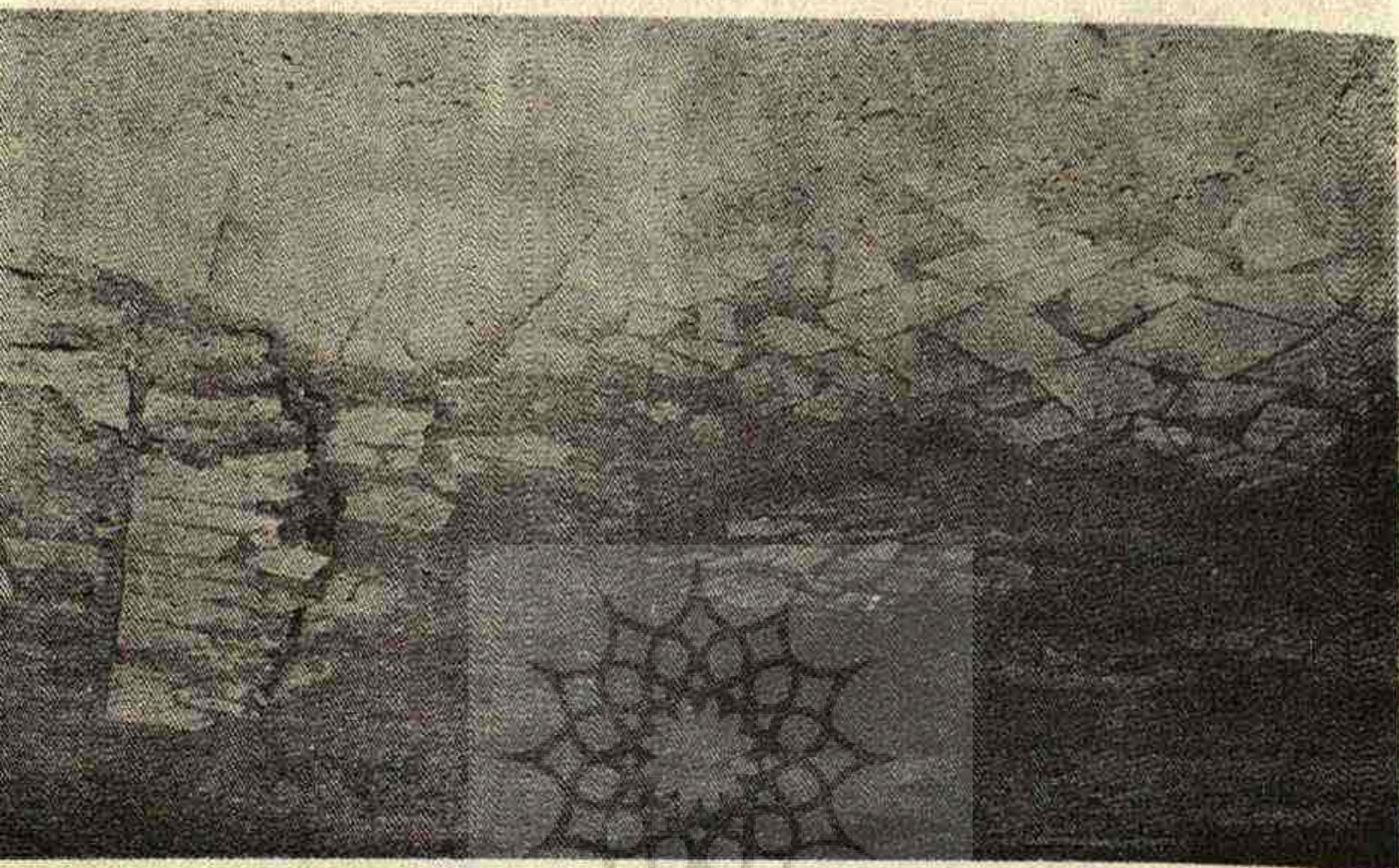
چند دوره کف فرش مسجد تعویض یا مرمت شده است.
عکس شماره ۱۳ دو دوره از پوشش کف مسجد را نشان میدهد.



عکس شماره ۱۳

دو دوره کف فرش شبستان مسجد جی باستان

در آخرین تعمیر کف شبستان مسجد جی از آجرهای فرو ریخته استفاده شده است و میرساند که مسجد نامبرده مورد بی-توجهی بوده و از رونق افتاده بوده است. (عکس شماره ۱۴)

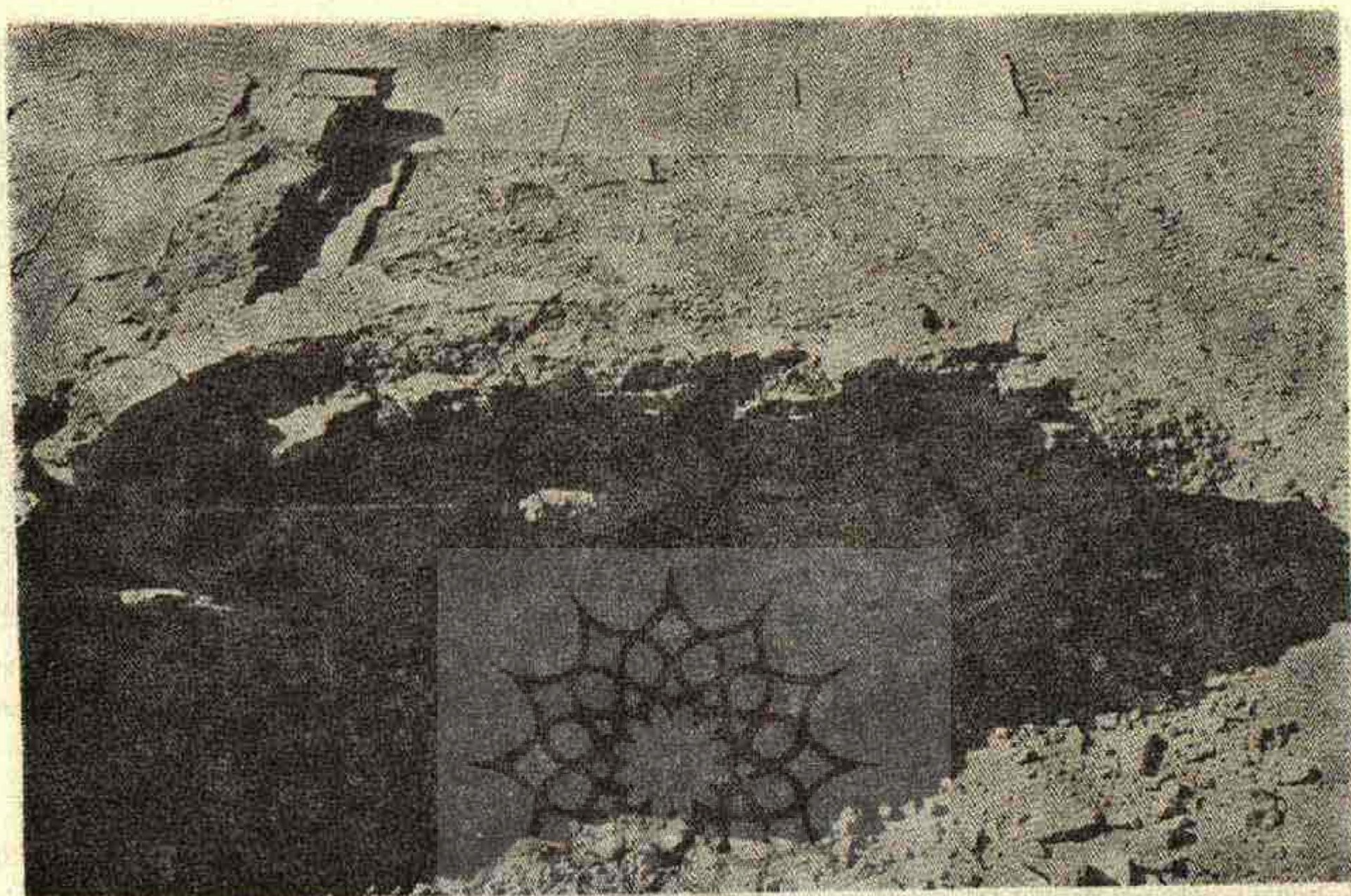


آخرین کف فرش مسجد جی باستان از آجرهای فرو ریخته بنا

عکس شماره ۱۴

در حین پی‌گردی ستونی مشخص شد که از دو قسمت تشکیل گردیده بود بدین معنی که متصل به ستون اصلی قسمتی دیگر ه جهت استحکام احداث شده بود که میتوان آنرا جزء تعمیرات اساسی مسجد بحساب آورد متأسفانه نیمی از قطر این ستون در موقع احداث کارخانه دست و پاسازی از بین رفته است (عکس شماره ۱۵).

در سطح خارجی ستون فوق‌الذکر اندودی از گچ دیده میشود شاید بتوان گفت که ستونهای این مسجد پوششی از گچ داشته است (عکس شماره ۱۶) و یا اینکه این پوشش در این ستون فقط برای نشان دادن یکپارچگی آن بوده است.



تنها ستونی که از دو قسمت تشکیل یافته است .

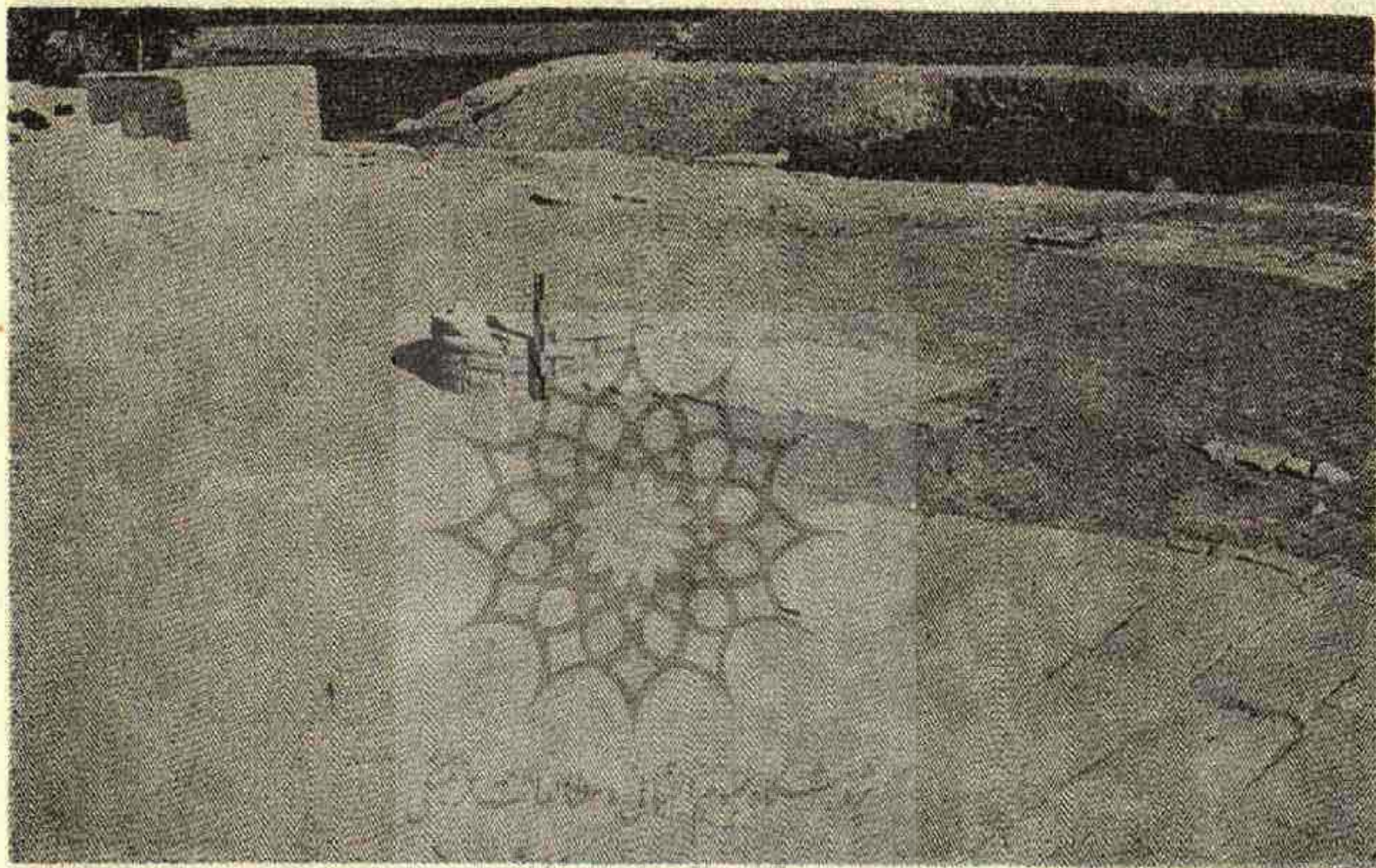
عکس شماره ۱۵



اندود گچ بر روی ستونی که از دو قسمت تشکیل یافته است .

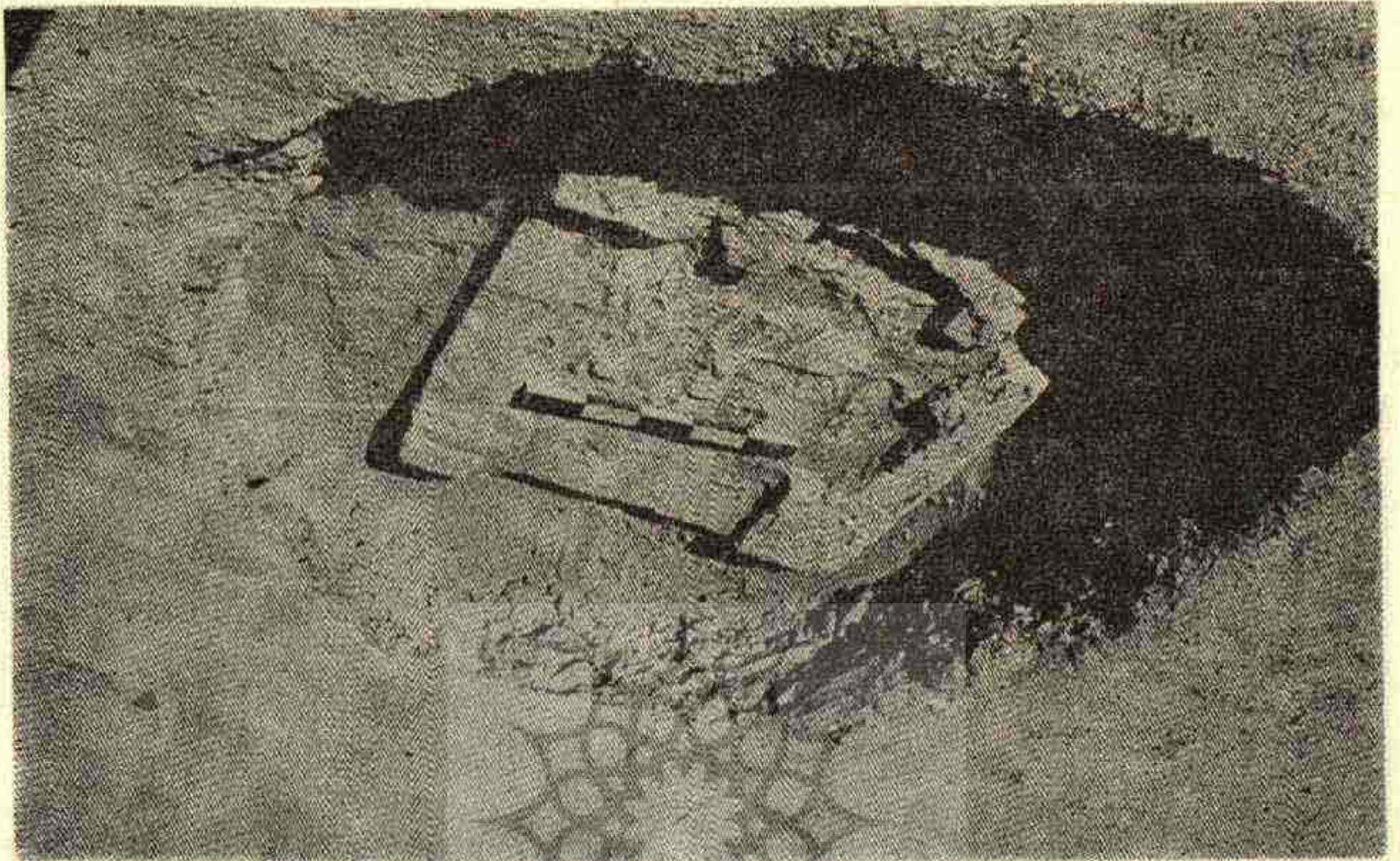
عکس شماره ۱۶

از ارتفاع ستونهای مسجد جی اطلاع دقیقی در دست نیست و فقط شاید بتوان آنها را در حد مسجد جامع اصفهان دانست آنچه که باقی مانده بیش از ۳۰ سانتیمتر از کف آجر فرش مسجد نیست (عکس شماره ۱۷) .



عکس شماره ۱۷
بقایای یکی از ستونهای مسجد جی باستان با ارتفاعی در حدود ۳۰ سانتیمتر

در عکس هوایی بخوبی محل ستونهای این مسجد مشخص میباشد در بعضی نقاط فقط فیل پای ستونها باقیمانده است ، که طول و عرض آنها ۹۲×۹۲ سانتیمتر میباشد (عکس شماره ۱۸) و از بعضی ستونها فقط محل خالی آنها که جهت دست یابی به آجر تا سطح خاک کنده شده باقی مانده است . (عکس شماره ۱۹)



یکی از فیل پاهائی که برجای مانده است .

عکس شماره ۱۸



محل یکی از ستونهای مسجد جی باستان .

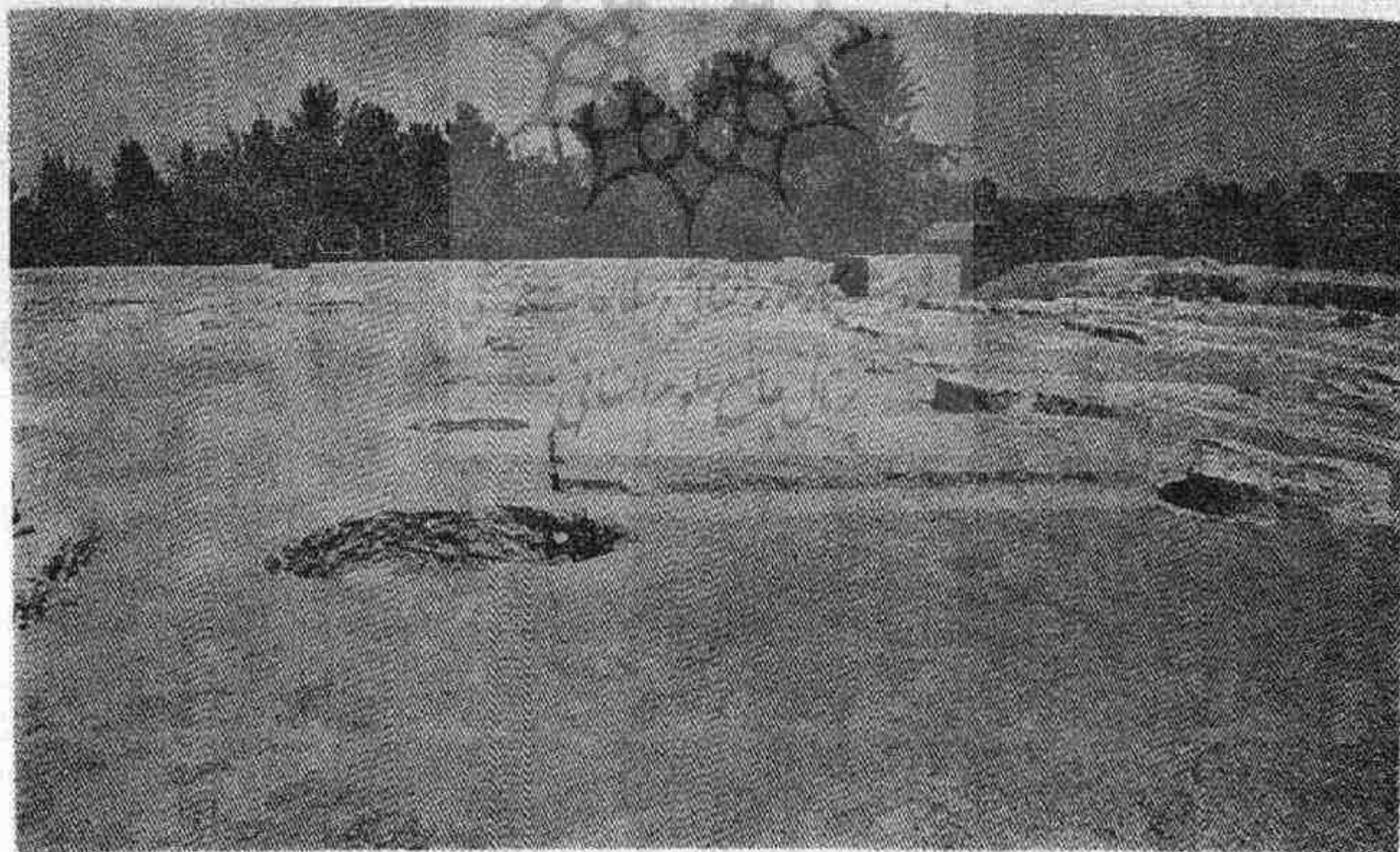
عکس شماره ۱۹

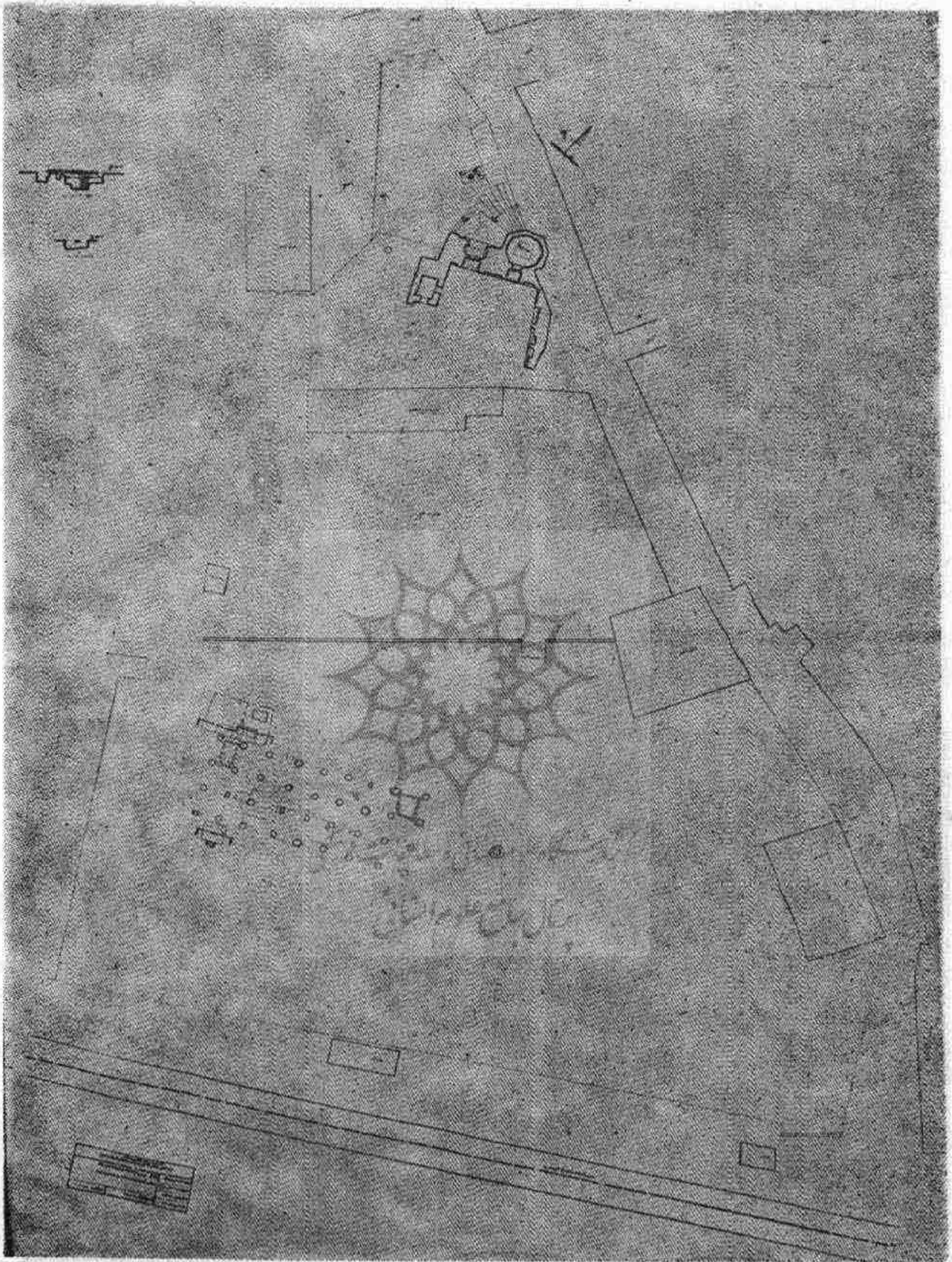
ستونهای مسجد جی باستان بصورت ردیفهای منظم و با فاصله‌هایی تقریباً مساوی در طول و عرض در یک خط مستقیم قرار داشت . (عکس شماره ۲۰ و نقشه شماره ۱) در بین چهار ستون شمال شرقی و شمال غربی کف سازی‌ای از سنگ بر روی فرش اصلی دیده میشود (عکس شماره ۱۹) که نوع استفاده آن بطور دقیق مشخص نگردید ولی آنچه که دقت بیشتری را باعث میشود چهار ضلعی دقیق این سنگ فرش در سطح بین چهار ستون بود. اندازه هر یک از این سنگ فرشها ۳۹۲×۲۴۰ سانتیمتر است .

جبهه شمال غربی محوطه پیگردی که در موقع ایجاد کارخانه

عکس شماره ۲۰

قسمتی از محوطه مسجد جی باستان .



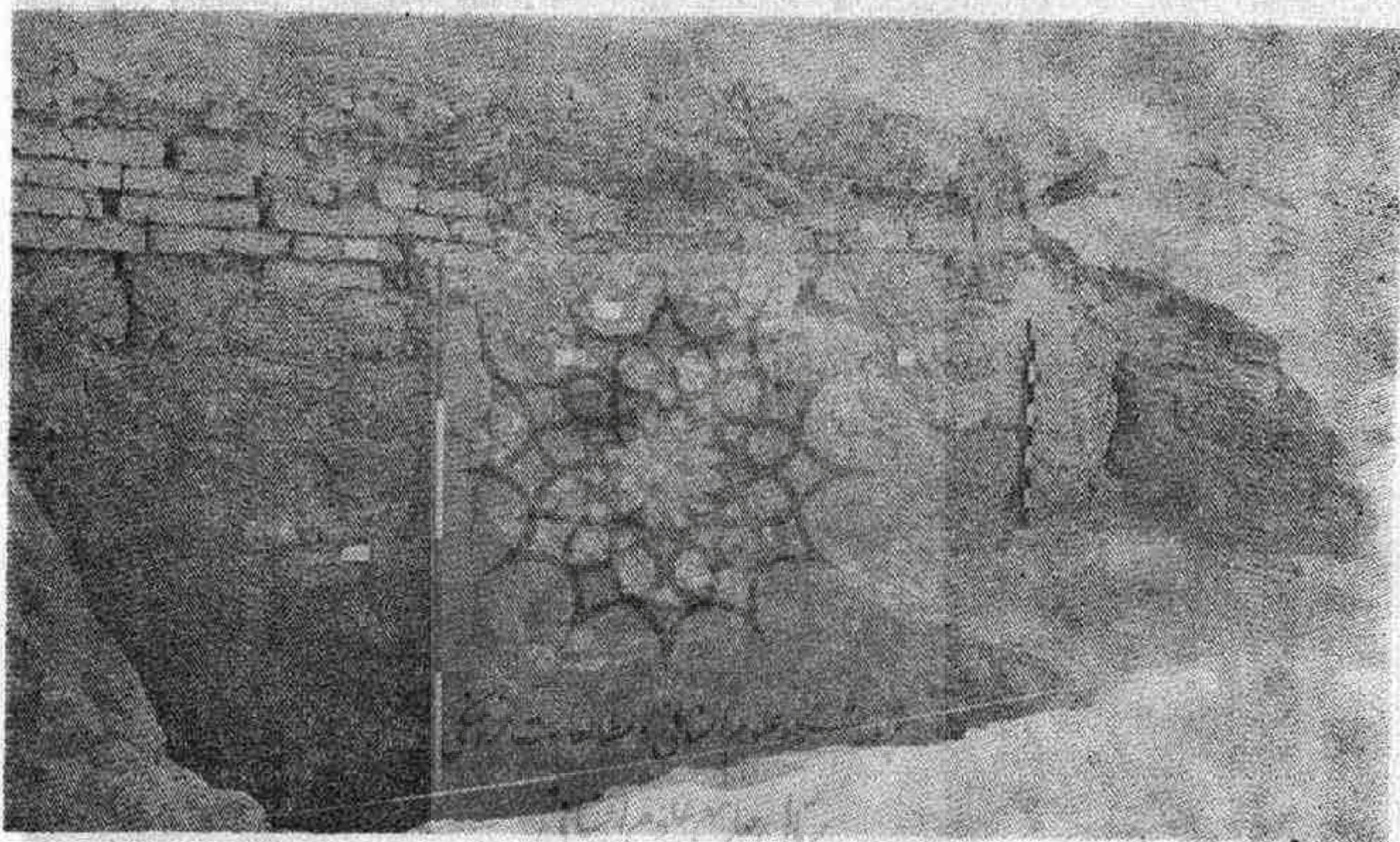


شامل طرح بقعه الراشد بالله ومحوطه آثار باستانی جی باستان
ترسیم از : احمد اقطار .

نقشه شماره ۱

دست و پاسازی بوسعت زیاد خاکبرداری شده بود جهت طبقه بندی منطقه جی باستان مورد استفاده قرار گرفت .

پس از پاک نمودن این ناحیه، گذشته از لایه های آبرفتی چند دوره دیگر مشخص گردید که قدیمترین آن از دوره عباسیان بود و سپس دوره ای با پی های سنگی است، که دوره عباسیان را قطع مینمود تاریخ

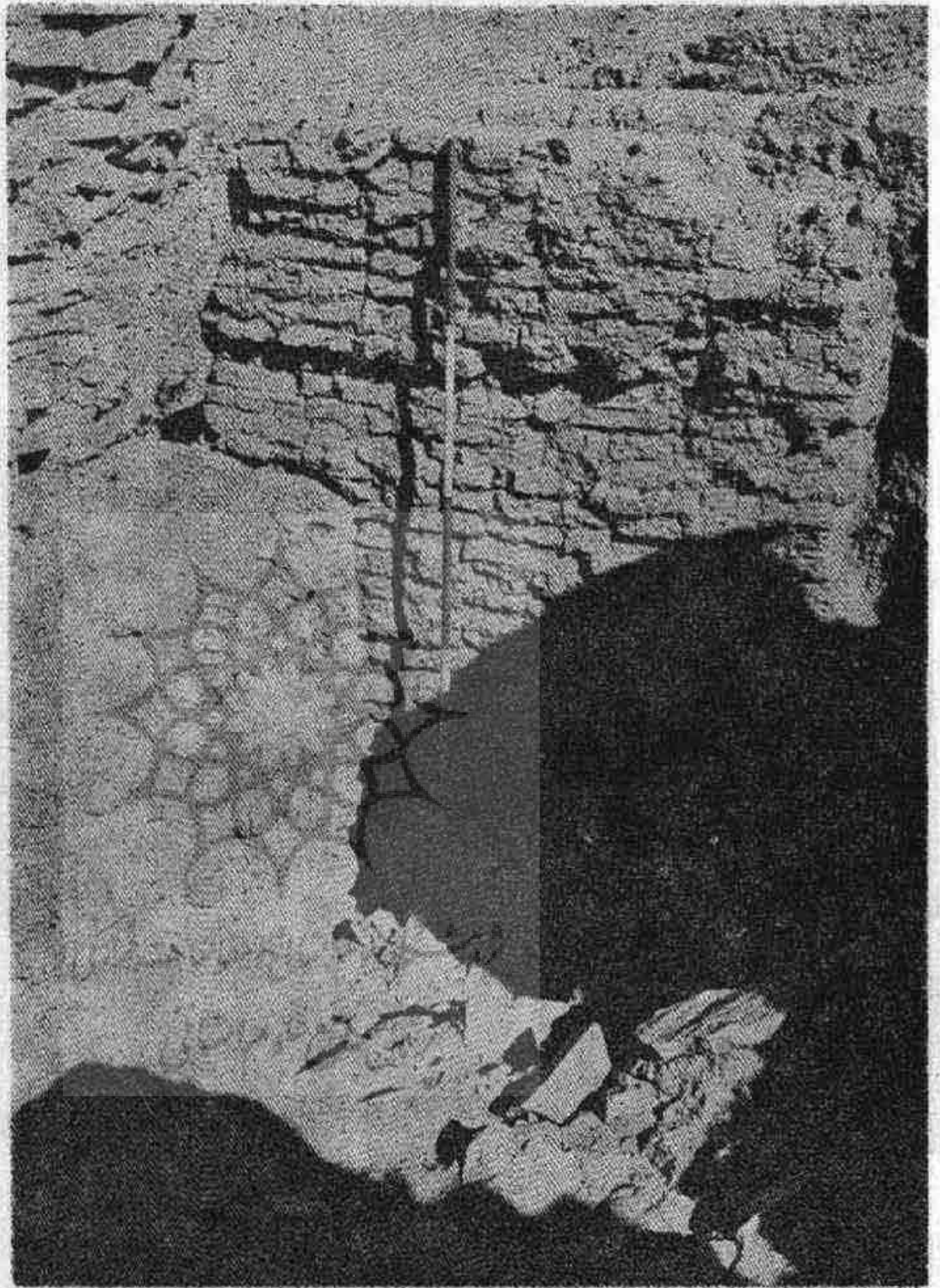


نموداری از دوره های مختلف جی باستان .

عکس شماره ۲۱

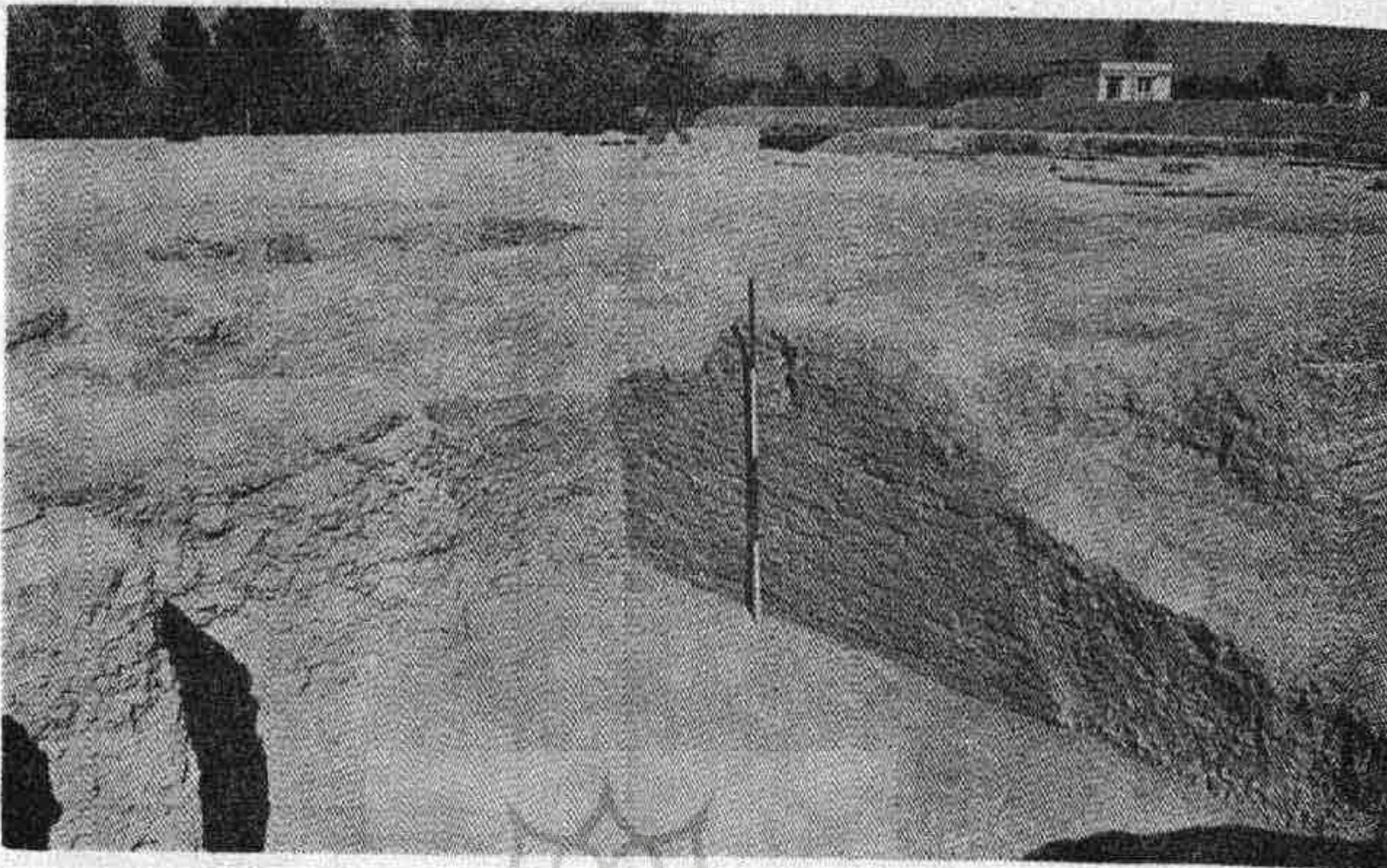
این دوره مستلزم حفاری وسیع است که از حدود وظائف هیئت پی گردی خارج بود. بعد از این دوره لایه مسجد جی باستان قرار دارد که تاریخ آن را دوره سلجوقی تشخیص داده اند (عکس شماره ۲۱)

در سمت شرقی جبهه فوق الذکر آثار دیگری از دوره عباسیان بادیوارهای خشتی مشخص گردید (عکس شماره ۲۲)



عکس شماره ۲۲
دیوار خشتی مربوط
بدوره عباسیان

در بررسی دقیق گودهای موجود در سطح جی باستان به نشانه‌هایی از دوره عباسیان و دوره‌ای که بای‌های سنگی مشخص گشته است برخورد شد (عکسهای شماره ۲۳ و ۲۴ و نقشه‌های شماره ۲ و ۳) در دوره عباسیان منطقه جی باستان بسیار گسترده بوده و میتوان گفت که تمام سطح زیرین جی باستان را در بر می‌گیرد. قطر بعضی از



دیواری از دوره عباسیان

عکس شماره ۲۳



دوره‌ای که بانی‌های سنگی مشخص شده است .

عکس شماره ۲۴

نقشه بنای خشتی دوره عباسی

مقیاس ۱ : ۱۰۰

نقشه شماره ۲ :

ترسیم از: مهندس عباس لاریجانی .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انبار خطی علوم انسانی

دیوارهای این لایه به ۲ متر و اندازه‌های بعضی از حجمهای مسکونی آن به $۵/۵ \times ۸$ متر می‌رسد (نقشه شماره ۲).

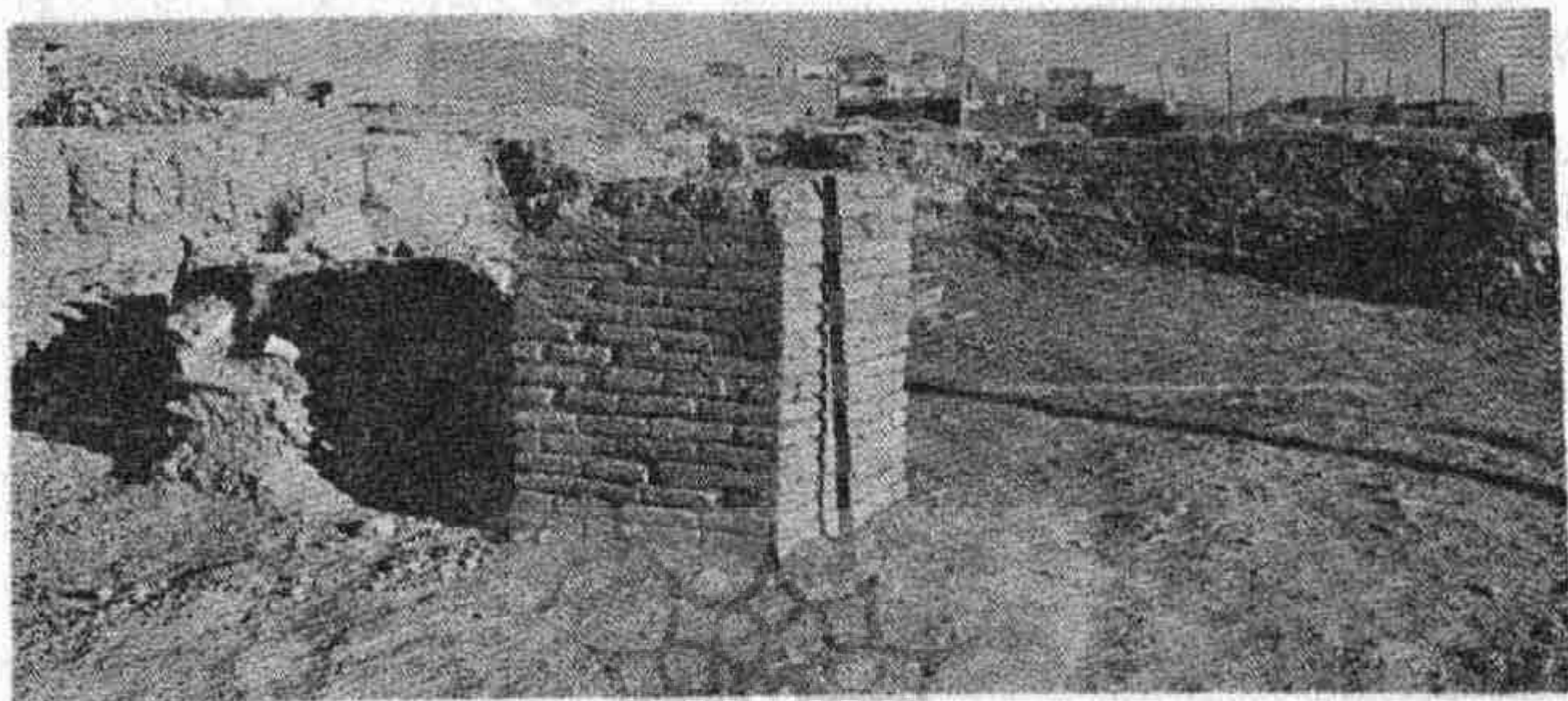
در دنباله پیگردی مسجد جی باستان در جبهه جنوبی محوطه مورد کاوش و مشرف به رودخانه زاینده رود به دیواره سنگی ای برخورد شد که شرقی غربی بود و از نظر زمانی بالای سنگی جی باستان هم‌زمان می‌باشد و کف آجری مسجد مذکور تا روی این دیوار سنگی ادامه داشته است و از آن پس آثاری از ادامه کف مسجد بدست نیامد (عکس شماره ۲۵).



عکس شماره ۲۵

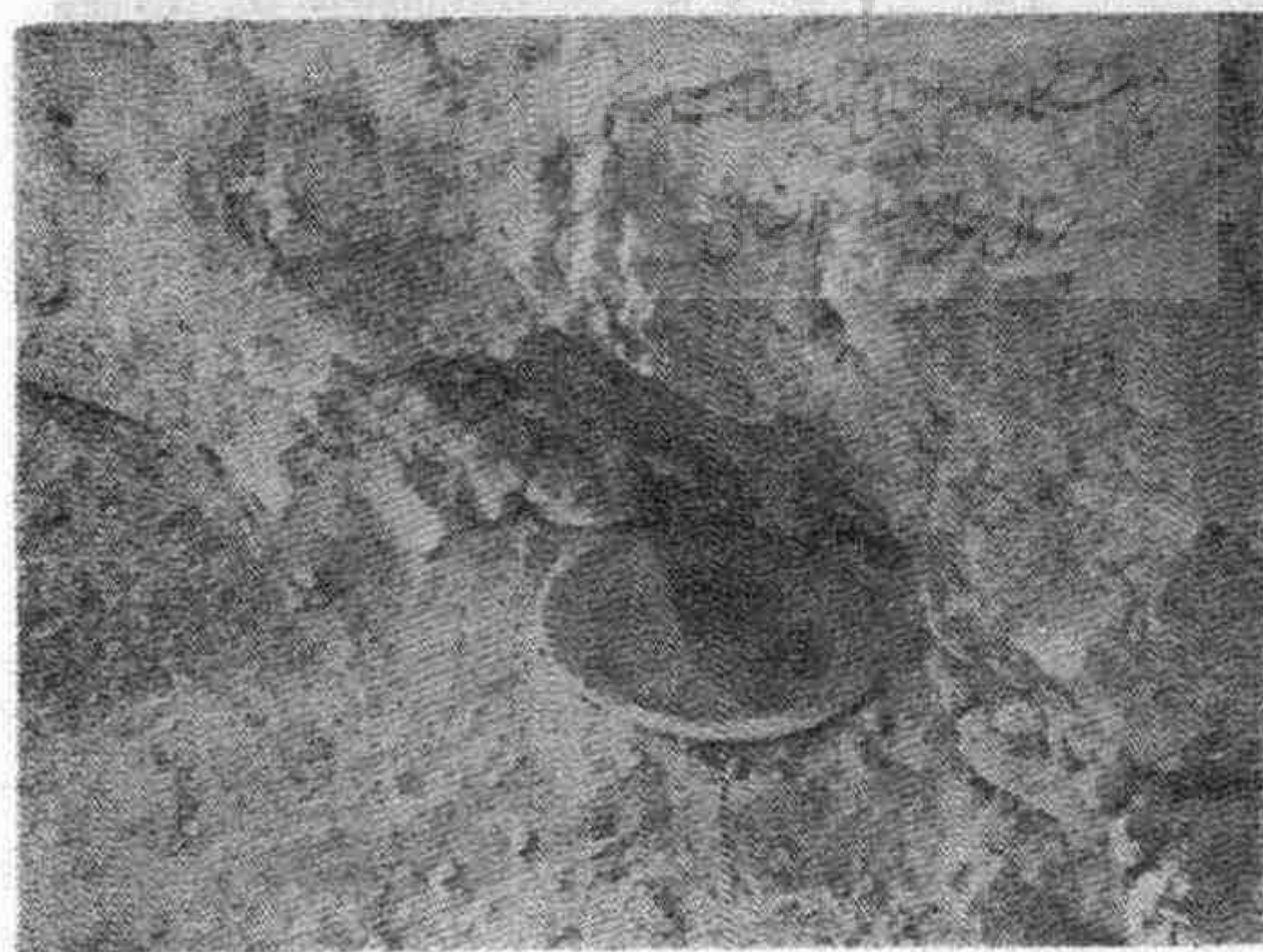
دیوار سنگی که آخر حد از مسجد جی باستان است در سمت راست عکس قسمت از یک دیوار خشتی دور عباسی مشخص می‌باشد

در پشت این دیوار و بر لب جاده قدیمی اصفهان یزد و بر کنار رودخانه زاینده رود آثار دیگری شامل يك جز آجری مربوط به سده های هفتم و هشتم هجری (عکس شماره ۲۶) و زیر بنای منار شهرستان کشف گردید (عکس شماره ۲۷ و نقشه های شماره ۳ و ۴).



عکس شماره ۲۶

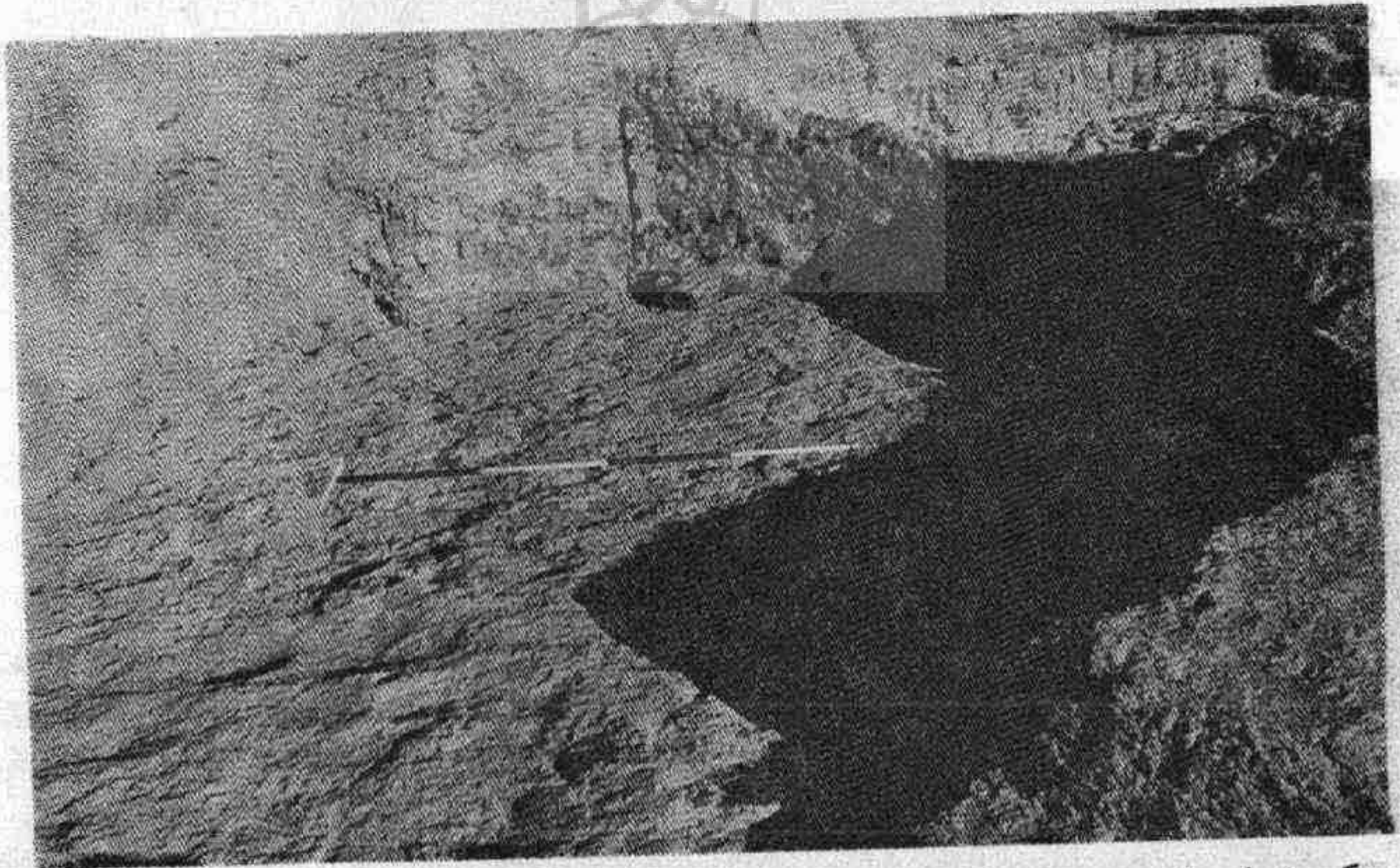
بقایای آثار سده های هفتم و هشتم هجری واقع در جنوب جی باستان . در کنار آثار قرن هفت و هشتم هجری دو عدد پیسوز و يك عدد بشقاب مسی سالم بدست آمد.



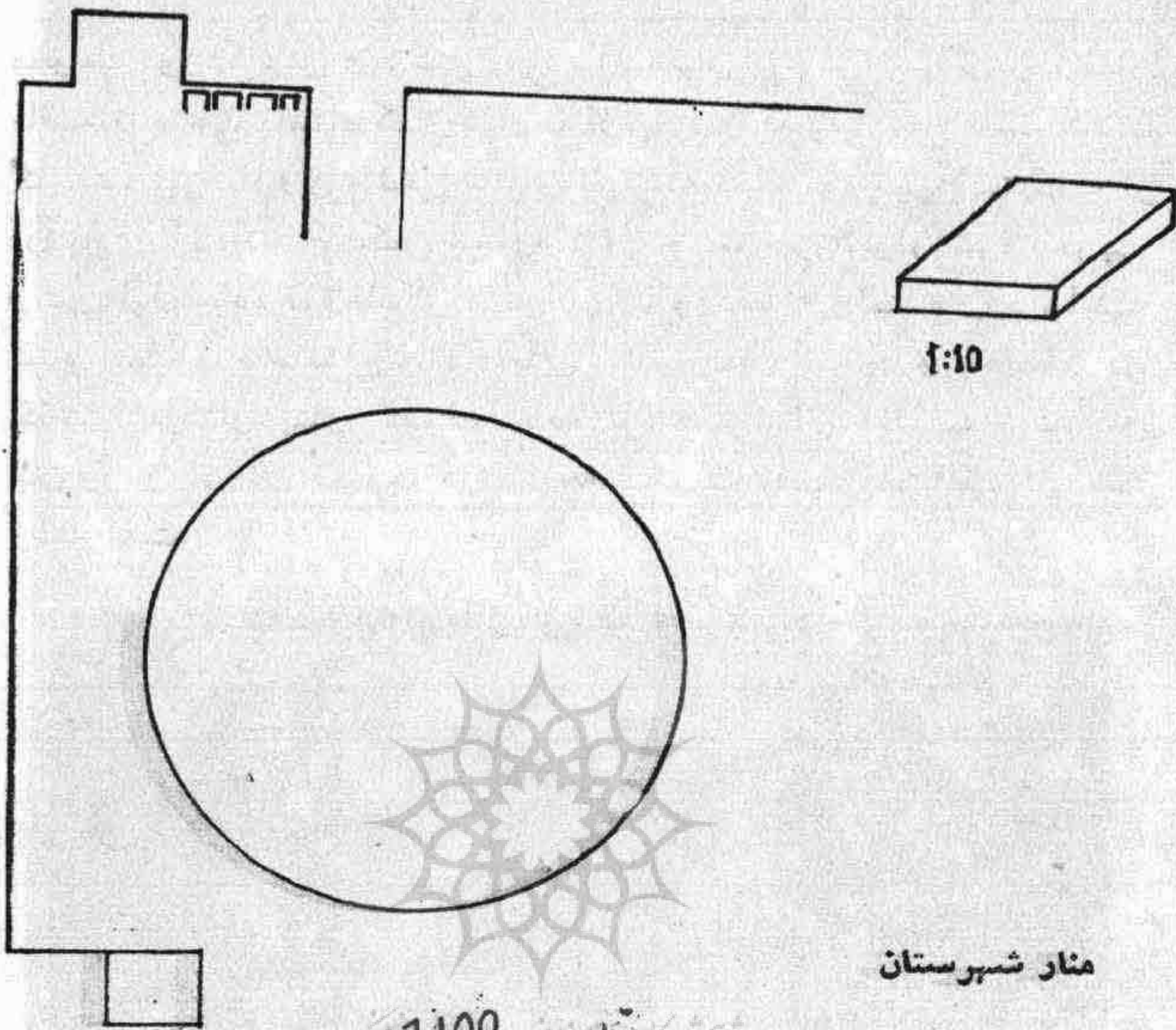
عکس شماره ۲۷

بشقاب مسی مکتشفه از جی باستان مربوط به سده های هفتم و هشتم هجری .

در باره منار شهرستان چنین آمده است .
 در مجاورت بقعه الراشد بالله و پل قدیمی شهرستان سابقاً
 مناره ای هم از سده ششم هجری (سده شانزدهم شاهنشاهی و از دوره
 سلجوقیان) وجود داشت که در ردیف مناره های بسیار زیبای اصفهان
 بشمار میرفته است. این مناره دارای دو پلکان بوده که از یکی بالا
 میرفته اند و از دیگری پائین میامدند و از نظر معماری مناره جالبی
 بوده است. این مناره از لحاظ نقوش و تزئینات نیز مانند مناره
 مسجد علی و مناره ساربان بوده و بیشتر جهانگردان خارجی که از
 عهد صفویه با اصفهان آمده اند مخصوصاً جهانگردانی که در سده اخیر
 اصفهان را دیده اند از این مناره توصیف نموده اند و از باستانشناسان
 آقای (سمیت) در مقاله مناره های اصفهان (مجلد اول جلد دوم آثار
 ایران) از این مناره بنام مناره شهرستان و (شاه رستم) یاد کرده است
 (عکس شماره ۲۸)



زیربنای مناره شهرستان



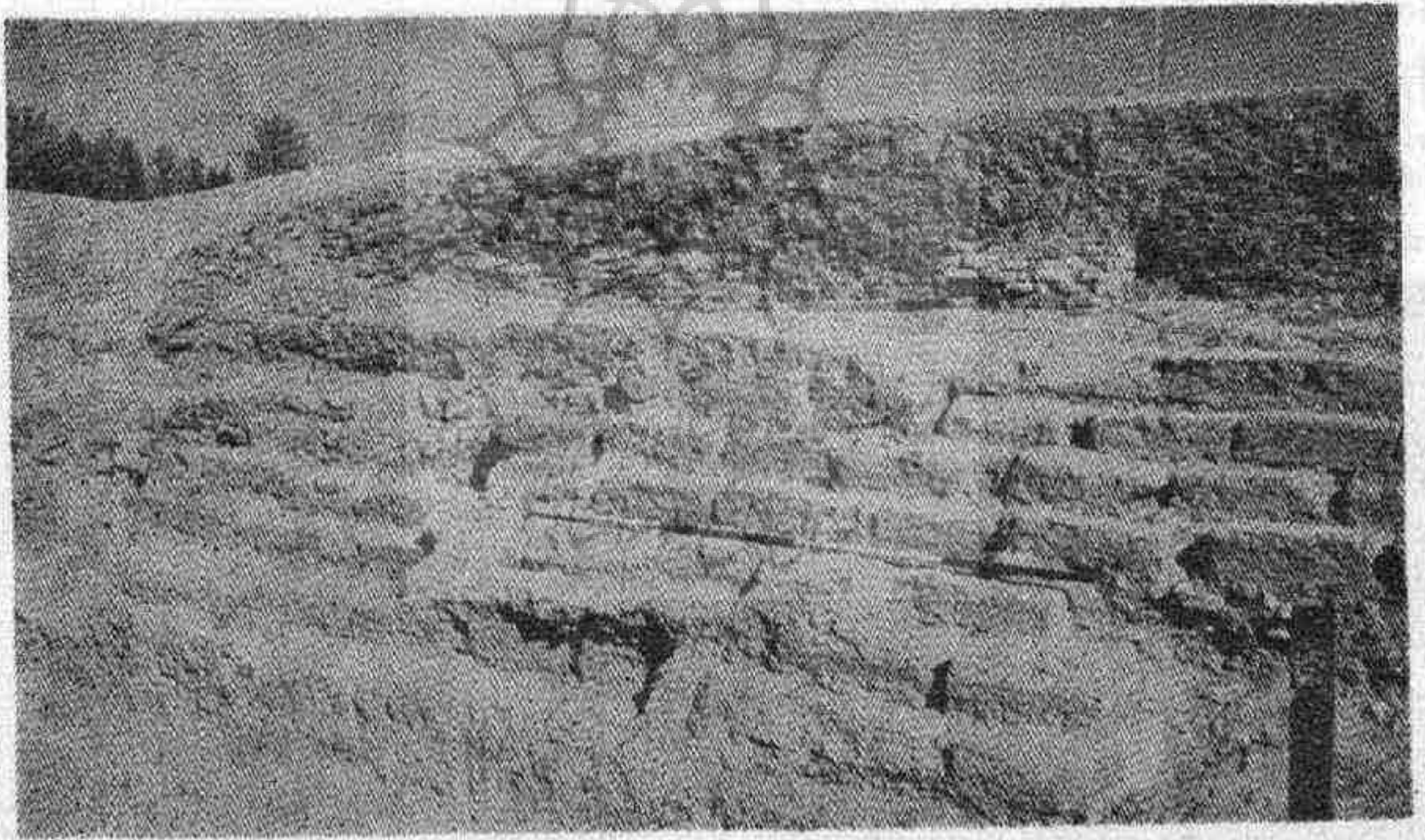
مقیاس ۱:۱۰۰

نقشه شماره ۴ : ترسیم از: عباس لاریجانی

این مناره را بطمع استفاده آجرهای آن در سال ۱۳۲۳ هجری قمری (۲۴۶۵ شاهنشاهی) عمداً خراب کرده اند.
وجود مناره شهرستان در جنوب غربی مسجد جی باستان مسجد مذکور را جزو مساجد یک مناره قرار داده است.
بدنبال عملیات پی گردی مسجد جی باستان در قسمت جنوب شرقی

۱۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف دکتر لطف الله هنرفر ص ۲۱۰

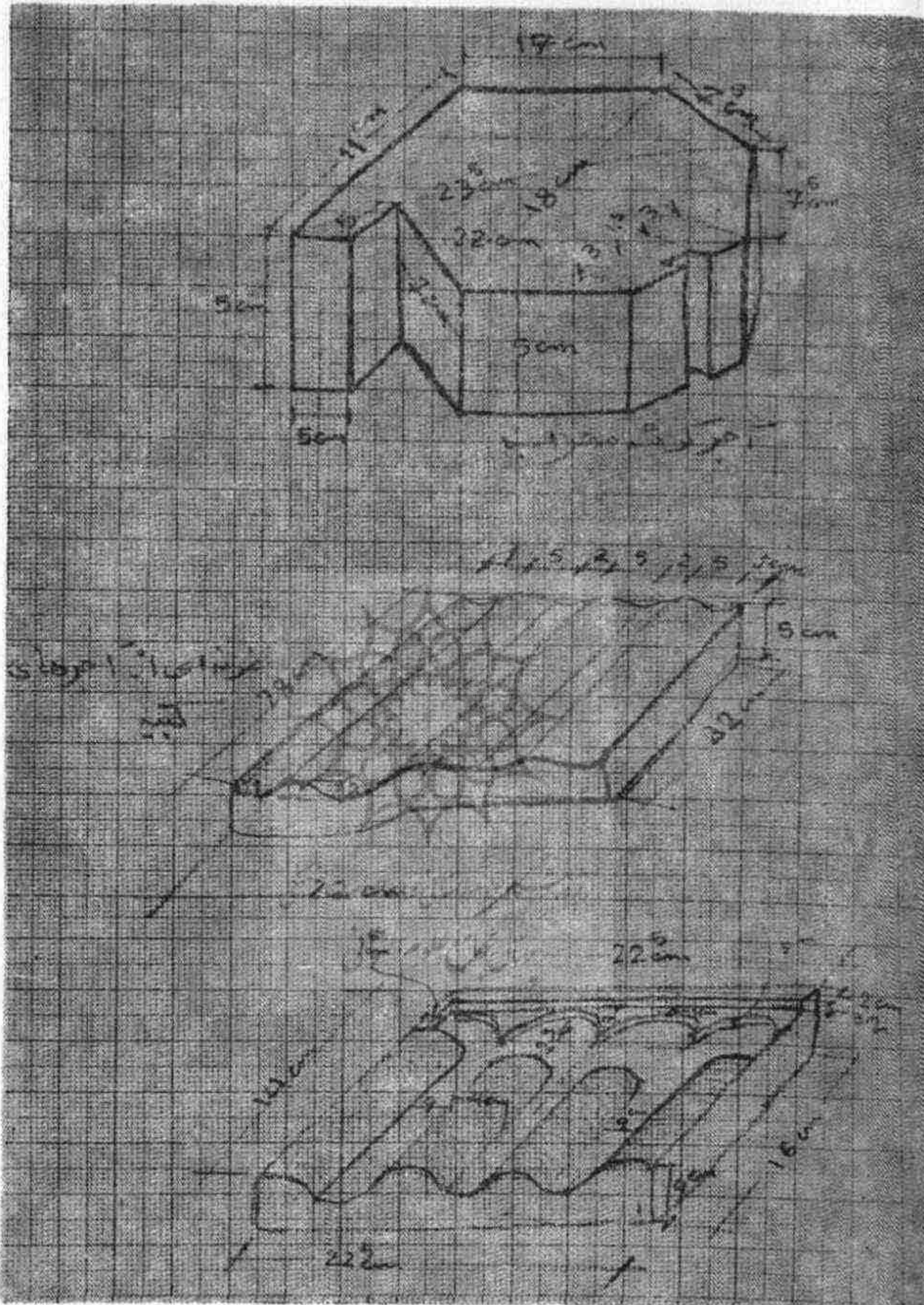
محوطه مورد کاوش و برکنار جاده اصفهان یزدگرانیهاترین آثار باقیمانده جی باستان که عبارت از باروی قدیمی جی باشد کشف گردید. این باروی خشتی سندی برگفته تمام مورخین است که از آن یادی کرده اند. (عکس شماره ۲۹) جهت این دیوار شرقی غربی و در طول جاده فوق الذکر و موازی با رودخانه زاینده رود ساخته شده است و فاصله چندانی با پل شهرستان ندارد و احتمالاً در گذشته تاکنار بنای گمرک خانه پل شهرستان ادامه داشته و بمرور زمان آن قسمت در نتیجه سکونت های متوالی از بین رفته است.



عکس شماره ۲۹

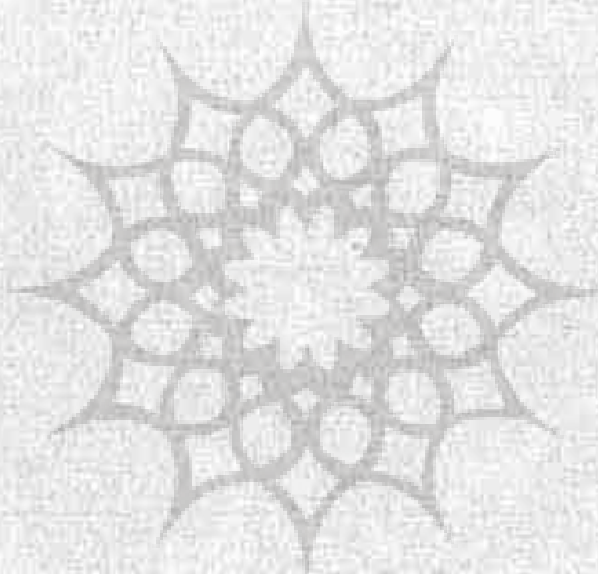
آثار باقیمانده از باروی جی باستان .

ضمن پی گردی مسجد جی باستان آجرهائی از قرون دوم و سوم هجری قمری همانند آنچه از مسجد جامع اصفهان کشف شده است بدست آمد که این آجرها مربوط به تزئینات آجری محراب و کتیبه های آجری بنائی از آن دوره میباشد (طرح شماره ۱)

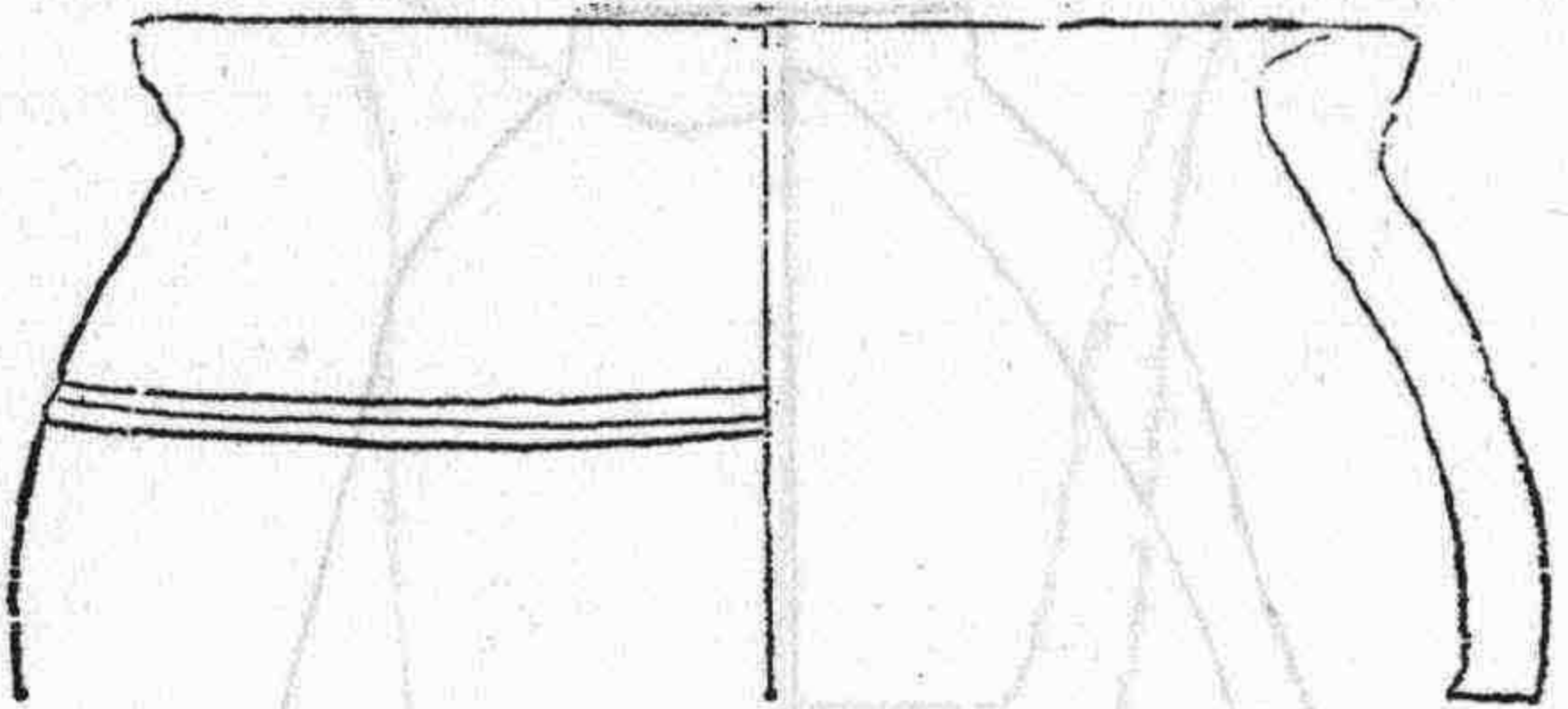


طرح شماره ۱ : عکس از غلامرضا ملک عراقی .

همچنین قطعات گچبری بدست آمده که حفریات آینده وابستگی این آثار را باجی باستان نشان خواهد داد. سفالهای جمع آوری شده از این منطقه باستانی گویای تداوم تمدن اسلامی تا دوره صفویه میباشد (طرحهای ۲-۳-۴-۵)

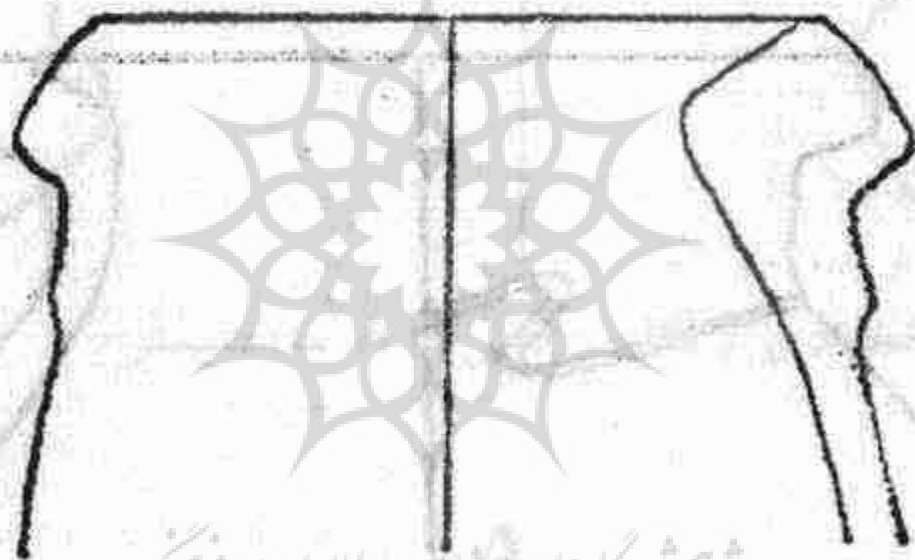


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 تهران جامع علوم انسانی



آجری رنگ . قطر دهانه ۱۳ سانتیمتر

پیشینه: این طرح در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در کتاب «تعمیرات و مطالبات فرهنگی»

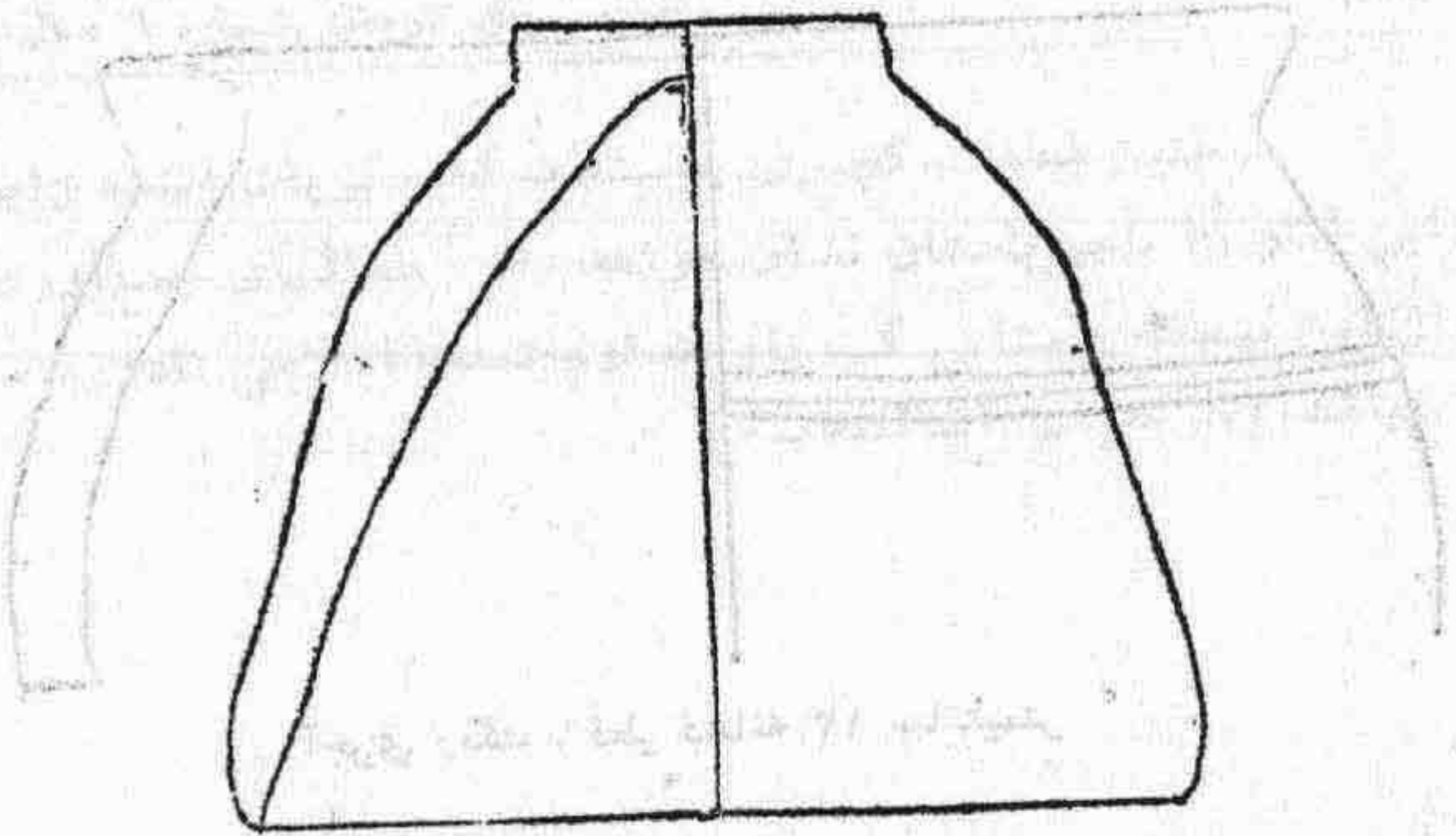


نخودی رنگ . قطر = $6/5$ سانتیمتر

پیشینه: این طرح در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در کتاب «تعمیرات و مطالبات فرهنگی»



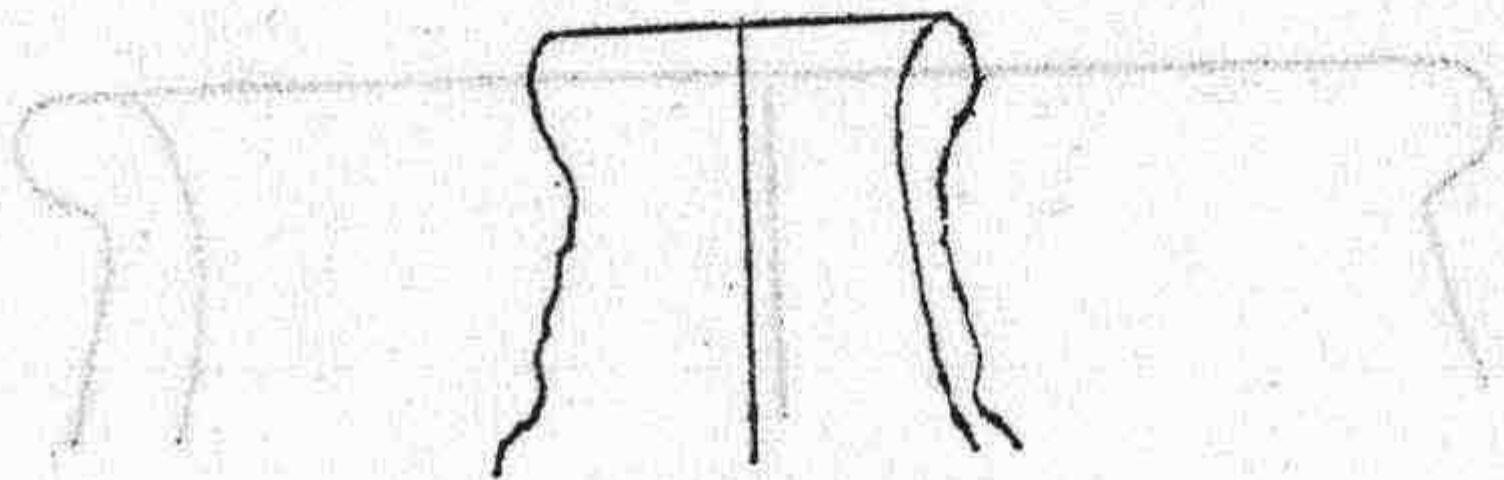
نخودی رنگ . قطر = ۱۱ سانتیمتر



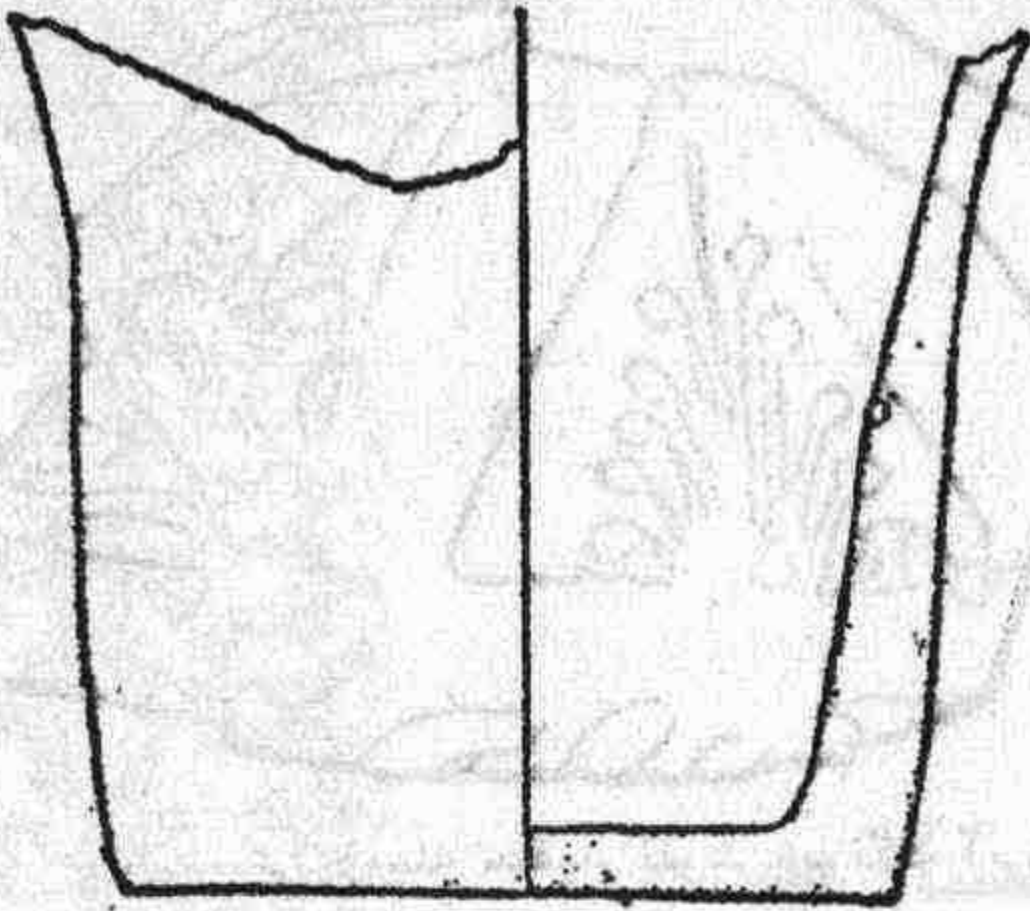
نخودی رنگ بالعب کرم . قطر = ۱۰ سانتیمتر



نخودی رنگ . قطر = ۸ سانتیمتر



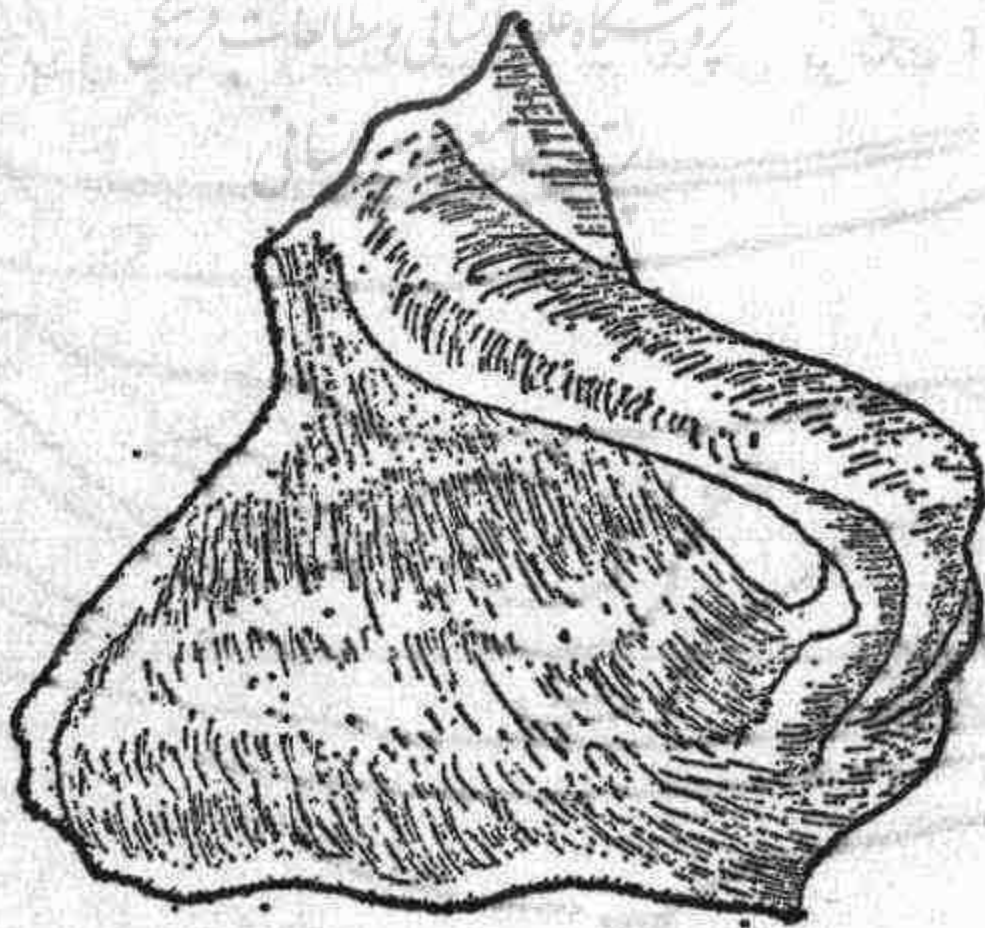
نخودی رنگ . قطر ۳/۵ سانتیمتر

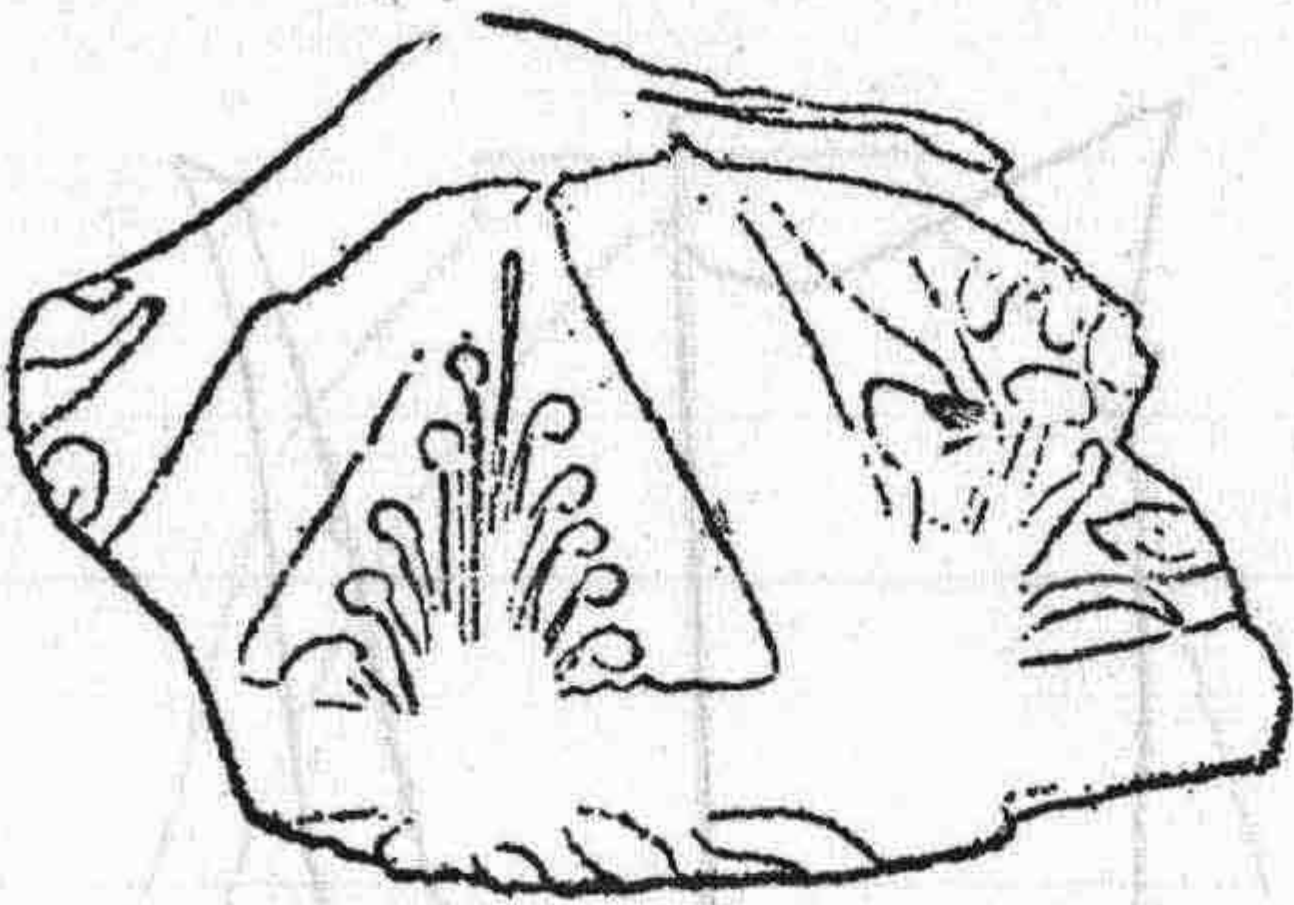


نخودی رنگ .



نخودی رنگ . قطر = ۸ سانتیمتر

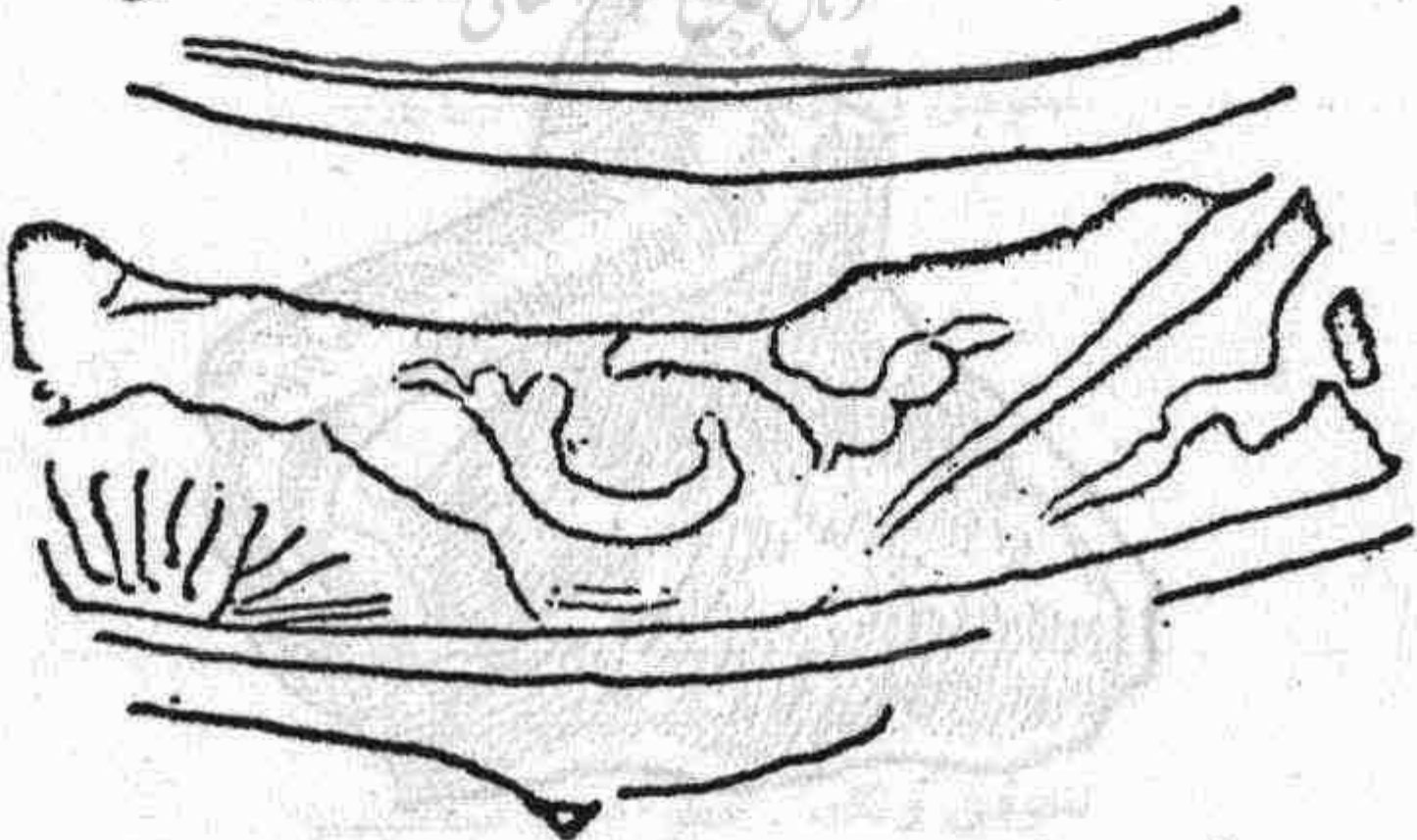




بدل چینی زمینه سفید نقوش برنگ آبی



بدل چینی زمینه سفید - نقوش برنگ آبی



بدل چینی زمینه سفید طرح آبی خطوط طرح مشکی